

## ملاحظات حوزه سیاسی - امنیتی برنامه

### هفتم توسعه



دکتر امیر کوهری مقدم

معاون سیاسی و بین‌المللی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

برنامه‌های توسعه کل کشور با هدف ریل‌گذاری و تعیین اهداف کلان کشور در حوزه‌های مختلف سال‌هاست در کشور مصوب و تلاش می‌شود مبنای سایر برنامه‌های پایین دستی و قوانین سالانه قرار گیرد. طبعاً اجرای این برنامه‌ها طی سال‌های متعدد مشکلات و آسیب‌های آن را روشن ساخته که باید در طراحی برنامه‌های جدید این موارد لحاظ شود. از مهمترین چالش‌های برنامه‌های توسعه به اختصار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. لحاظ‌نشدن سیاست‌های کلی نظام در برنامه‌های توسعه.
۲. عملیاتی‌نشدن برنامه‌های توسعه در عمل.
۳. عدم انطباق کامل قوانین با برنامه توسعه.
۴. فقدان ضمانت اجرای برنامه توسعه.
۵. ابهام و کلی‌بودن احکام و غیرقابل‌سنجش‌وارزیابی‌بودن آن‌ها.
۶. عدم تناسب میان احکام برنامه از حیث اهداف.
۷. عدم مسأله‌محوری در برنامه‌ها و فقدان توجه به سایر اسناد بالادستی و برنامه‌های پیشین.
۸. دولت‌محوری برنامه‌ها در ابعاد مختلف و عدم توجه به بخش غیردولتی و مردم.
۹. عدم انطباق برنامه‌ها با تقویم سیاسی کشور و بی‌توجهی برخی دولت‌ها به مصوبات برنامه‌های دولت‌های قبل.

به منظور کاهش آسیب‌های فوق لازم است مکانیسم ارزیابی و تطبیق اجرای برنامه با شرایط واقعی گردد. مسئول‌سازی نهادها و بخش‌ها، شاخص‌سازی برای سیاست‌های کلی و کمی‌سازی احکام باید در دستور کار قرار گیرد. زمان‌بندی اجرای احکام به دقت لحاظ و ضمانت اجراهای کافی قانونی مدنظر قرار گیرد. این امر مستلزم شناخت محیط داخلی و بین‌المللی و فرصت‌ها و چالش‌های هر کدام است. شناخت دقیق چالش‌ها و فرصت‌ها این امکان را به سیاست‌گذاران می‌دهد که ضمن رفع چالش‌ها، از فرصت‌ها در راستای تحقق اهداف برنامه توسعه بهره ببرند. توجه به اسنادی نظیر سند آمایش سرزمین، توجه به تمرکززدانی در حکمرانی نیز ضرورتی انکارناپذیر در این راستاست.

ملاحظات حوزه سیاسی - امنیتی برنامه هفتم توسعه توجه به ملاحظات خاص سیاسی - امنیتی با توجه به چالش‌ها، فرصت‌ها و مقدمات کشور در تدوین برنامه هفتم توسعه در گام دوم انقلاب ضروری است. مهمترین این ملاحظات به اختصار ذیلاً اشاره شده است:

۱. توجه ویژه به ظرفیت‌های مهم بیابانه گام دوم در برنامه و تحقق اهداف و موضوعات آن.
۲. توجه به ترکیبی بودن تهدیدات و پیچیدگی طراحی دشمن. کشور با تهدیدات ترکیبی و چندلایه مواجه است بنابراین باید برنامه هفتم توسعه در بخش امنیتی و دفاعی به هوشمندسازی امنیت توجه ویژه داشته باشد. هوشمندسازی امنیت می‌تواند در حوزه ساختاری، رویکردی و برنامه‌ای محقق گردد.
۳. توجه به پیوست امنیتی در همه حوزه‌ها و رفع مشکلات نگاه بخشی به فصل‌بندی‌ها.
۴. توجه به نظم در حال تغییر بین‌المللی و الزامات آن.
۵. توجه نرم‌افزاری به حوزه دفاع و امنیت در کنار لحاظ مباحث سخت‌افزاری آن.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود موضوعات ذیل در بخش سیاسی و امنیتی سند مورد توجه قرار گیرد: در سیاست داخلی می‌بایست وضعیت نظام

انتخاباتی و نظام حزبی و نسبت آن‌ها با هم؛ قانون جامع انتخابات؛ مدیریت روند تقسیمات کشوری؛ حکمرانی فضای مجازی؛ ارتقاء مشارکت سیاسی مردم و نقش آن‌ها در تولید امنیت مردم‌پایه، مسأله مهاجرین و اتباع بیگانه مجاز و غیرمجاز، برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از مرز به عنوان فرصت سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی، تقویت بنیه و فناوری دفاعی کشور با تمرکز بر تهدیدات نوین، پدافند غیرعامل و امنیت زیرساخت‌های حیاتی کشور، تقویت بنیه اطلاعاتی و امنیتی کشور؛ هم‌افزایی دستگاه‌های اطلاعاتی کشور؛ تأمین امنیت غذایی؛ مقابله با تروریسم زیستی و بیوتروریسم مورد توجه قرار گیرد.

در عرصه سیاست خارجی نیز حمایت از آرمان فلسطین و مستضعفان به عنوان اولین مسأله جهان اسلام معطوف به جنایات رژیم صهیونیستی و اقدامات منطقی‌های آن باید مورد توجه خاص قرار گیرد. علاوه بر آن عملیاتی نمودن قراردادهای راهبردی بلندمدت با کشورهای مختلف بویژه روسیه و چین؛ با توجه به حرکت کشور به سوی انعقاد قراردادهای بلندمدت راهبردی با کشورهای مختلف، بهبود مناسبات با محیط پیرامون در قالب سیاست همسایگی؛ ایجاد وابستگی اقتصادی، اعتمادسازی سیاسی و تش‌زدایی امنیتی و تلاش برای درهم‌تیدگی روابط دوجانبه با کشورهای همسایه باید جزو اولویت‌های اصلی در دیپلماسی همسایگی باشد. استفاده از ظرفیت سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، ارتقاء سطح جایگاه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به عنوان نمونه، تعیین نسبت برنامه صنعتی کشور با قرارگیری در زنجیره ارزش جهانی یا بازتعریف تجارت انرژی در زنجیره تأمین جهانی باید یکی دیگر از اولویت‌های برنامه هفتم توسعه باشد.

در نهایت ارتقاء توان بازدارندگی کشور؛ با توجه به تشدید رقابت‌های نظامی در مناطق مختلف جهان و نقش آفرینی بحران‌ساز آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا و نیز ارتقای سطح بازدارندگی از طریق افزایش قابلیت‌های نظامی جدید و تقویت شبکه دفاع منطقه‌ای باید جزو اهداف اساسی برنامه هفتم باشد.

## قانونگذاری و عصبانیت زدایی



دکتر سید محمد مهدی غمسی

رئیس اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

۱. قانونگذاری برای رفع و مدیریت تش‌ها و خشونت‌های اجتماعی است.
۲. قانونگذاری باید بر محوریت حل مسائل مردم باشد به نحوی که گره‌ای از مسائل عینی و ذهنی مردم را برطرف کند.
۳. قانونی که مسائل را در یک نظام عمومی مسائل اجتماعی به درستی شناسد ممکن است و شاید گره‌ای را باز کند ولی ده‌ها گره ایجاد و عوارض ایجاد کند.
۴. باید در نظر داشته باشیم وضع یک قانون میلیاردها تومان هزینه به مردم و مالیات‌دهندگان تحمیل می‌کند.
۵. اگر مردم ببینند که یک قانون برای آن‌ها جز دردسر و تضییق ایجاد نمی‌کند یا به هر طریقی این تصور برای آن‌ها ایجاد شود که قانون به نفع آن‌ها نیست از آن ناراحت و حتی عصبانی می‌شوند به ویژه وقتی در نظر داشته باشند از جیب آن‌ها برای دردسرزایی استفاده شده است.
۶. مردم عموماً ناظر به دو دسته از قوانین به جهت احساس تضییع حقوق‌شان ناراحت می‌شوند: اول اینکه قانون برای آن‌ها انتظاری ایجاد کند ولی به

هر جهت به آن پاسخ داده نشود مثل قانون نظام رتبه‌بندی معلمان (مصوب ۱۴۰۰)؛ دوم اینکه نسبت به قانونی یک دسته از مردم احساس تبعیض کنند. این دسته قوانین به جهت جزئی‌نگری مسائل، تعداد بسیاری دارند، از قانون سالیانه‌ای اخیر توزیع قیر رایگان (تبصره ۱ بودجه‌های سنواتی اخیر) گرفته که مشخص نیست حسب کدام اولویت‌سنجی مسئله عام، تصویب و بین برخی اشخاص استقرانی توزیع می‌شود و یا قانون اصلاح قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور و ترمیم حقوق کارکنان و بازنشستگان کشوری و لشکری (آبان ۱۴۰۱) در ده بند، که یک احساس تبعیض عمیق بین بخشی از مردم که کارمند نیستند ایجاد کرده است.

۷. مردم به ویژه ناظر به «قانون ترمیم حقوق» می‌پرسند چرا سایر کسانی که نتوانسته‌اند یا شاید خواسته‌اند متکی بر توان خود، خلاقانه و مستقل به کسب و کار بپردازند، از این محل افزایش حقوق مندرج در بودجه بهره‌مند نشده‌اند؟ هرچند ممکن است قانونگذار هوش عادلانه کردن حقوق با توجه به مسائل مالی مردم باشد ولی فقط یک بخش مردم از آن بهره‌مند شده‌اند.

۸. پاسخ به این سوال ساده نیست ولی مفروضات و راهکارهایی فرایندی وجود دارد که مقام معظم رهبری قبلاً بر آن تأکید کرده‌اند، قوانین و مقررات باید «پیوست عدالت» داشته باشند.
۹. باید برای مفاد پیش‌نویس قانون برنامه هفتم توسعه، «پیوست عدالت» تدارک دید.
۱۰. البته کار سختی است که شاید فناوری حقوقی تا حدود قابل توجهی آن را ساده کند.

## ضرورت توجه دولت و مجلس به اولویت

تعیین شده در سیاست‌های کلی برنامه هفتم



پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت

دکتر محمدامین ابریشمی راد

عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بایستی در قالب «قانون مصوب مجلس» و در چارچوب «سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری» تهیه و تصویب شوند. صلاحیت مقام معظم رهبری در تعیین سیاست‌های کلی ناظر بر قوانین برنامه برگرفته از اطلاق صلاحیت ایشان در تعیین سیاست‌های کلی نظام مقرر در بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌باشد. به موجب اصل مذکور «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» از جمله وظایف و اختیارات رهبری دانسته شده است. بند ۲ اصل مذکور نیز نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها را در صلاحیت ایشان دانسته که در حال حاضر این صلاحیت توسط ایشان به هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام تفویض شده است.

بررسی سیاست‌های کلی برنامه هفتم گویای آن است که این سیاست در ۷ سرفصل کلی «اقتصادی»، «امور زیربنایی»، «فرهنگی و اجتماعی»، «علمی، فناوری و آموزشی»، «سیاسی و سیاست خارجی»، «دفاعی و امنیتی»، «اداری، حقوقی و قضایی» و در ۲۶ بند تهیه و ابلاغ شده است. البته، همچنان که در مقدمه این سیاست‌ها تأکید شده اولویت اصلی سیاست‌های کلی برنامه هفتم «پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت» تعیین شده است.

بنابر مقدمه فوق و با عنایت به جایگاه سیاست‌های کلی نظام در سلسله مراتب هنجاری کشور، انتظار می‌رود که دولت در مقام تنظیم لایحه برنامه هفتم

توسعه و مجلس شورای اسلامی در مقام تصویب این قانون به اولویت مذکور توجه و عنایت لازم را داشته باشند و «پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت» و راهکارهای تحقق آن در قانون برنامه هفتم توسعه، نمود ویژه‌ای داشته باشد. از سوی دیگر، از شورای نگهبان و هیأت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام انتظار می‌رود در مقام نظارت بر مصوبه مجلس، بر رعایت این الزام حقوقی نظارت ویژه داشته باشند تا در طول اجرای این قانون بتوان به پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت به عنوان یکی از چالش‌های نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نائل شد.

## برنامه هفتم توسعه و تحول در نظام اداری



حمیدرضا گرامی پور

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

با توجه به بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین سیاست‌های کلی نظام از وظایف و اختیارات رهبری است. بر این اساس، رهبر انقلاب اسلامی تاکنون سیاست‌های کلی نظام را در بسیاری از عرصه‌ها با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام، تعیین و به قوای سه‌گانه ابلاغ فرموده‌اند. نحوه اجرا و رعایت مفاد این سیاست‌ها از چالش‌های مهم نظام حقوقی ما بوده است.

در برنامه هفتم توسعه کشور که اخیراً از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، به تعدادی از سیاست‌های کلی توجه و اشاره مستقیم شده است که از جمله آن‌ها، سیاست‌های کلی نظام اداری است که در سال ۱۳۸۹ ابلاغ شده‌است. در بند ۲۵ برنامه هفتم توسعه، «تحول در نظام اداری و اصلاح ساختار آن مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام اداری» در چهار محور مورد تأکید قرار گرفته است.

بر این اساس مناسب است که در تدوین قانون برنامه هفتم توسعه این چهار محور که قابل تطبیق بر چهار بند از سیاست‌های کلی نظام اداری است، مورد توجه قرار گرفته و طبق نظر معظم‌له، از بین مفاد سیاست‌های کلی نظام اداری، در پنج ساله پیش رو، بر این چهار محور و چهار بند تمرکز و توجه ویژه‌ای به عمل آمده و با تقنین و برنامه‌ریزی مناسب زمینه اجرایی شدن آن‌ها فراهم آید. چهار محور مذکور در بند ۲۵ برنامه هفتم و بندهای متناظر با آن‌ها از سیاست‌های کلی نظام اداری عبارتند از:

۱. «هوشمندسازی و تحقق دولت الکترونیک»، متناظر با بند ۵ سیاست‌های کلی نظام اداری: توسعه نظام اداری الکترونیک و فراهم آوردن الزامات آن به منظور ارائه مطلوب خدمات عمومی.
۲. «حذف تشکیلات موازی و غیرضرور»، متناظر با بند ۱۰ سیاست‌های کلی نظام اداری: چابک‌سازی، متناسب‌سازی و منطقی‌ساختن تشکیلات نظام اداری در جهت تحقق اهداف چشم انداز.
۳. «به‌روزرسانی قوانین و مقررات»، متناظر با بند ۱۳ سیاست‌های کلی نظام اداری: عدالت‌محوری، شفافیت و روزآمدی در تنظیم و تفسیح قوانین و مقررات.
۴. «اصلاح روش‌ها و رفع فساد و زمینه‌های آن در مناسبات اداری»، متناظر با بند ۲۴ سیاست‌های کلی نظام اداری: ارتقای سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی در آن از طریق اصلاح فرایندهای قانونی و اداری، بهره‌گیری از امکانات فرهنگی و بکارگیری نظام مؤثر در پیشگیری و برخورد با تخلفات.



مهدي سرياهي

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران

### ظرفیت‌های مردمی در اداره امور قضایی

یکی از سیاست‌های مذکور در زمینه امور حقوقی و قضایی سیاست‌های کلی برنامه هفتم، استفاده از ظرفیت‌های مردمی و توسعه آن‌ها در حل و فصل دعاوی است. با مروری بر سازوکارهای موجود در قوه قضائیه مصادیقی که در حال حاضر در این مسیر به کار رفته عبارتند از؛ شورای حل اختلاف، سازمان‌های مردم‌نهاد در قانون آیین دادرسی کیفری و راه‌اندازی سامانه‌های اعلام فساد در سازمان‌ها (سوت‌زنی). در ادامه ساحت و سابقه این مسئله در دو بخش کلی بررسی اجمالی می‌شود.

**ساحات مشارکت مردمی در حکمرانی**

می‌توان مشارکت مردمی در اداره را در سه ساحت خلاصه کرد:

۱. مشارکت در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری ۲. مشارکت در اجرا ۳. مشارکت در نظارت و ارزیابی.

در مرور سابقه مشارکت مردمی در اداره امور قضایی می‌توان گفت عمدتاً در حوزه نظارت از طریق اعلام جرم سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و سامانه‌های سوت‌زنی و همچنین مشارکت در اجرا از طریق مشارکت در حل و فصل دعاوی در شوراهای حل اختلاف و سوای از نقصان بکارگیری این استعداد در سطوح نظارت و اجرا، خلاء ساختاری و مصادیقی مشارکت مردمی در سطح سیاست‌گذاری محسوس است و به نظر استفاده از ظرفیت‌ها و استعداد مردمی در ساحات مختلف نیازمند طراحی و یا بازبینی مجدد ساختارها و الگوهای مختلف با نگاهی تطبیقی نسبت به نظام‌های حقوقی دیگر است.

### مرور اجمالی سابقه‌های مشارکت مردمی

یکی از نهادهایی که برای مشارکت مردمی در حل و فصل دعاوی پایه‌گذاری شده است، شوراهای حل اختلاف است که هرچند در بدو امر نهادی صلحی و در جهت رفع خصومت در مجامع مذهبی و صلحی بود اما با اصلاحات انجام شده دچار تحول شده و از وضعیت صلحی به نهاد قضائیتی و به عبارت دیگر دادگاه اختصاصی با صلاحیت رسیدگی به دعاوی خاص بدل شد. این شوراهای در اوان شکل‌گیری گروه‌هایی در مساجد و محله‌ها و حوزه‌های علمیه و نهادهای این‌چنینی بودند که به معنای واقعی کلمه به صلح و سازش در دعاوی می‌پرداختند لکن در ادامه این شعب به شکل متمرکز در سازمان واحدی قرارگرفته و به‌رغم حفظ عنوان، تغییر عنوان داد. دیگر مصداق این مشارکت، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی مربوطه است. این نهاد در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شناسایی شده و دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه در سال ۱۳۹۸ به تصویب رسیده است. هرچند این مقررات نگاشته و تصویب شده است اما در مقام عمل همچنان تأثیر روشن و بارزی نداشته است. مصداق دیگری که بعد از فرمایشات رهبری معظم در دیدار با مسئولین دستگاه قضایی در سال ۱۳۹۹ پیگیری آن قوت گرفت، استفاده از ظرفیت مردمی در مبارزه با فساد اداری و فعال‌سازی نظارت مردمی بر کارکنان دستگاه‌های اداری است که این مهم با راه‌اندازی سامانه الکترونیکی پی‌گرفته شده ولی نقصان اصلی در این حوزه فقدان قوانینی جهت تعریف و شناسایی افشاکندگانی فساد، حمایت از حقوق افشاکندگان و به‌طور کلی وجوه مختلف افشاگری فساد در سیستم اداری است.

ناسازگاری محتوای قوانین برنامه توسعه با

اقتضائات این قانون

کمال‌کدخدایرادی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام



سیاست کلی برنامه هفتم توسعه در تاریخ ۲۲ شهریورماه ۱۴۰۱ از طرف مقام معظم رهبری ابلاغ شد. در یکی از فرازهای مقدمه این سیاست، بر لزوم «تهیه و تصویب قانون برنامه هفتم بر پایه این

سیاست‌ها و اجرای دقیق و مسئولانه آن» تصریح شده است. در زمینه تصویب قوانین برنامه توسعه گفتنی است که هرچند برنامه‌های توسعه در قالب قانون و توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسند، اما برخلاف سایر قوانین عادی، واجد ویژگی‌های منحصر به فردی مشتمل بر «برنامه‌ای بودن»، «موقتی و زمان‌مند بودن» و «در راستای نیل به اهداف و سیاست‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی بودن» هستند که به منظور حفظ تناسب عنوان و محتوای این قوانین، می‌بایست احکام و مفاد مندرج در این دسته از قوانین با این ویژگی‌ها، تناسب و همخوانی داشته باشند. بر همین اساس ویژگی‌های مذکور ایجاب می‌کند که قانون‌گذار در این قوانین در مقام تعیین اهداف، سیاست‌ها و نقشه راه کشور در قالب برنامه زمانی پنج‌ساله برآید و با پیش‌بینی راهبردهای وصول به اهداف و سیاست‌های کشور، نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را محقق سازد.

این در حالی است که بررسی قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه بیانگر آن است که قانون‌گذار بدون توجه به ویژگی‌های ذکر شده، این قوانین را بستری جهت تحقق همه برنامه‌ها و اهداف نظام قانون‌گذاری قلمداد کرده و بر همین مبنای، محتوای بخش‌هایی از این قوانین، غیرمتناسب و ناسازگار با ویژگی‌های ذکر شده است.

یکی از موضوعات غیرمتناسب با ویژگی‌های قوانین برنامه، تأسیس سازمان یا تشکیلات دائمی است. پیش‌بینی تأسیس سازمان یا تشکیلات دائمی در قوانین برنامه با ویژگی «برنامه‌ای بودن» و به طور خاص با ویژگی «موقتی و زمان‌مند بودن» این قوانین همخوانی ندارد و این عامل باعث شده تا اعتبار سازمان‌ها و تشکیلات مزبور، پس از پایان مدت اعتبار قانون برنامه پنج‌ساله واجد ابهام جدی باشد.

اصلاح قوانین عادی در قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه، موضوع دیگری است که به جای آنکه قانون‌گذار خود را ملزم به اصلاح قوانین عادی از طرق مناسب بداند، قوانین برنامه توسعه را بستر تحقق وضع قوانین جدید یا اصلاح قوانین موجود قلمداد کرده و مبتنی بر این تلقی و بدون توجه به ویژگی‌های «برنامه‌ای بودن»، «موقتی و زمان‌مند بودن» و «در راستای نیل به اهداف و سیاست‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی بودن» قوانین برنامه، اقدام به اصلاح قوانین عادی کرده است. افزون بر اشکال اصلی مذکور، اصلاح قوانین دائمی در قوانین برنامه توسعه بر معضل قانون‌گذاری پراکنده دامن زده و باعث شده تا مخاطبان قوانین نتوانند به آسانی از وجود اصلاحیه در این قوانین اطلاع حاصل کنند.

موضوع دیگر پیش‌بینی حقوق و تکالیف برای شهروندان است که چنانچه تعیین این موضوع را بتوان با التزام قانون‌گذار به ویژگی‌های موقتی و توسعه‌ای بودن قوانین برنامه هماهنگ دانست، کماکان جعل حقوق و تکالیف در قوانین برنامه، با ویژگی «برنامه‌ای بودن» این قوانین هیچ‌گونه سنخیتی نخواهد داشت.

اصلاح نقش یا صلاحیت دستگاه‌ها و مراجع قانونی نیز یکی دیگر از محدودیت‌های قانون‌گذاری مجلس در قالب قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه است. در این مورد نیز هرچند بتوان با رعایت ویژگی‌های «توسعه‌ای بودن» و «موقتی بودن» قوانین برنامه، اصلاح نقش یا صلاحیت دستگاه و مراجع قانونی در قوانین برنامه را موجه دانست، اما قطعاً باید اصلاح نقش یا صلاحیت دستگاه‌ها و مراجع قانونی در قوانین برنامه را با ویژگی برنامه‌ای بودن این قوانین ناسازگار قلمداد کرد.

بنا بر مراتب فوق، لزوم تناسب بین عنوان و محتوای قوانین، تحقق نقشه راه پنج‌ساله کشور در جهت رسیدن کشور به توسعه اقتصادی و اجتماعی، جلوگیری از بروز برخی ناهنجاری‌های قانونی و آشفتگی‌های حقوقی و رعایت انضباط قانون‌گذاری ایجاب می‌کند که مجلس شورای اسلامی متناسب با ویژگی‌های «برنامه‌ای بودن»،

«موقتی و زمان‌مند بودن» و «در راستای نیل به اهداف و سیاست‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی بودن» قوانین برنامه توسعه، اقدام به تصویب این قوانین نماید و بر همین اساس از درج احکام غیر برنامه‌ای، دائمی و غیر توسعه‌ای خودداری نماید. از سوی دیگر، شورای نگهبان بایستی در فرآیند نظارت بر قانون‌گذاری بر رعایت این معیارها توسط مجلس نظارت دقیق‌تر و سختگیرانه‌تری داشته باشد تا بتوان انتظار داشت که قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه به جایگاه واقعی خودشان در نظام حقوقی کشور برسند.

### «شکستن زنجیره توامی» و «وارونه‌نمایی حقایق» تدبیر اصلی دشمن در جنگ نرم



سیدعلی میرلوحی

دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی و پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

### مقدمه

در تالطم حوادث امروز جامعه، آن چیز که موجب گرم نگه‌داشتن تئور آشوب‌ها شده است، بدون شک وارونه‌نمایی حقایق و دروغ پراکنی از سوی توپخانه رسانه‌ای دشمن و افراد سرشناسی است که بازپیچه آن‌ها شده‌اند؛ حال که همه جبهه کفر مجدداً دست به دست هم داده‌اند تا انقلاب اسلامی ایران را با تهدید روبه‌رو سازند چاره‌ای نیست که برای خروج از این بحران، هرچه سریع‌تر به دنبال راهی کارآمد و مؤثر رفت. بهترین و مطمئن‌ترین راه نجات را باید از کامل‌ترین دین، یعنی دین اسلام جست؛ مفاهیم دینی به‌عنوان ایده اصلی انقلاب اسلامی و حاکمیت دین بر سرنوشت فردی و اجتماعی انسان آرمانی است که علاوه بر تبیین نظری نیاز به الگوی عملی دارد. رهبر معظم انقلاب از همان آغاز نهضت اسلامی با طرح مباحث منسجم در قالب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» در صدد ترسیم نظریه اجتماعی اسلام بودند و «توأمی» را نسخه نجات بخش مسلمین در مقابله با دروغ پراکنی دشمن برای ایجاد شکست و تفرقه در جبهه مسلمین معرفی کردند.

### مفهوم توأمی

توأمی توصیه طرفین است و امر در حالت انتظار امر است. توأمی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. توأمی قابلیت اجرا توسط آحاد جامعه را دارد و هیچ عضوی از جامعه مؤمن نیست که نتواند این وظیفه ایمانی را ایفا کند. آنچه در بیان نورانی قرآن مسود تصریح و تأکید قرار گرفته این است که تنها راه جلوگیری از خسارت و تباهی انسان بعد از قانون‌مداری، ایمان و عمل صالح توأمی به حق و صبر است که در بیان راهبردی رهبر معظم انقلاب در عید مبعث ۱۳۹۹ به زیبایی مورد اشاره قرار گرفت. توأمی اگر بخواهد به‌عنوان یک راهبرد عملیاتی و یک برنامه اساسی جامعه‌پردازی اسلامی مورد توجه قرار گیرد میبایست جامع دیده و کامل پیاده شود. اگر بخواهیم این دستور الهی را به شکل دقیق در جامعه پیاده کنیم، ضرورت دارد به ابعاد طولی و عرضی آن توجه کنیم. توأمی طولی ضامن تحقق ولایت طولی و نهاد سرپرستی جامعه خواهد بود و نظام ولایتی را به معنای حاکمیت ارزش‌ها تحکیم خواهد کرد و توأمی عرضی عامل تحکیم ولایت عرضی و اخوت بین مؤمنان خواهد بود و پیوستگی اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. وقتی ولایت و اخوت به‌عنوان تار و پود جامعه به هم بافته شوند چه دشمنی می‌تواند این استحکام را دچار اختلال کند.

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»  
**شبکه‌سازی و تعامل همگانی نیاز اصلی توأمی**  
 آنچه در گفتمان پردازی و جامعه‌سازی اهمیت دارد تبدیل این فرضیه ایمانی به رفتار اجتماعی و الگوی همگانی است. استفاده از تعبیر زنجیره توأمی و جریان توأمی حاکی از لزوم شکل‌گیری یک شبکه منسجم مردمی و هنجار خوش‌آیند عمومی براساس یک مدل مطلوب و پرفایده است. مدلی که برای مؤمنان نافع باشد (وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَنَكْتُبُ فِي الْأَرْضِ) و در عین اینکه موجب آرامش جامعه ایمانی می‌شود، در مقابل دشمنان مقتدرانه بایستد (أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ). به موازات

گفتمان پردازی مردمی، شبکه‌سازی گسترده اجتماعی نیاز به نقش‌آفرینی مؤثر دستگاه‌های فرهنگی تبلیغی و ارکان حاکمیت دینی به شکل فعال احساس می‌شود. مجموعه‌های حاکمیتی به میزان بهره‌مندی از شور و شعور انقلابی، وظایفی را بر عهده دارند: این طیف وظایف از هدایت‌گری و امید آفرینی آغاز می‌شود و تا تنظیم‌گری و تسهیل‌گری پیش می‌رود. به بیان روان آنچه بر عهده مجموعه‌های حاکمیتی است زمینه‌سازی برای توأمی به توأمی است و در یک کلام اقامه زنجیره توأمی باید به‌عنوان راهبرد مؤثر در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مورد اهتمام قرار گیرد. در این راهبرد اساسی توجه به نقش مردم و سازماندهی جریان مطالبه‌گری از یک سو و اصلاح روندهای حکمرانی از سوی دیگر مورد انتظار است که شرح آن مجال می‌مبسط می‌طلبد.

شکل‌گیری صحیح جریان توأمی در سراسر اجزای جامعه و حاکمیت اسلامی یک اثر ملموس به نام روح جمعی را در پی خواهد داشت که کمترین نمود آن به توان رسیدن همت‌ها و تقویت اراده‌ها است. واضح است که اثر انجام ایمانی جمع جبری هم نیست بلکه حاصل ضرب و تضاعف عزم‌ها است و راز فتح و گشایش الهی در همین نکته نهفته است: (إِنَّ الْأَذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ). تحقق این روح جمعی نیازمند برنامه‌ریزی و طراحی الگوی سلوک اجتماعی است که در بیان برخی از اساتید فن در قالب عهده‌های جمعی توصیه شده است. الگوی عهده‌های جمعی از هسته‌ها و حلقه‌های محدود در قالب مراقبه‌های ۴۰ روزه آغاز می‌شود. حلقه‌های میانی را به تلاش منسجم تشکیلاتی در مسأله‌شناسی و نقش‌آفرینی اجتماعی برای ایفای رسالت الهی و مسئولیت انقلابی فرا می‌خواند. این ساختار ایمانی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری دولت اسلامی و در نتیجه جامعه اسلامی باشد؛ وظیفه‌ای که همگان در صدد کشف راه وصول به آن هستند.

### عرصه‌های توصیه به حق و توصیه به صبر

«توصیه به حق» و «توصیه به صبر»، در عرصه‌های مختلف نمود می‌یابد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. توصیه به نصیحت و خیرخواهی

در اسلام، همه انسان‌ها در مراقبت و حمایت از یکدیگر مسئول‌اند و این مسئولیت اجتماعی بر عهده همه اعضای جامعه اسلامی نهاده شده است. پیامبر (ص) فرمود: «هر یک از شما همان‌گونه که خیرخواه خویش است، باید خیرخواه برادرش نیز باشد.» رهبر معظم انقلاب به خیرخواهی و نصیحت مردم در مورد مسئولان نیز توصیه کرده است؛ زیرا نصیحت مسئولان از آن جهت ضرورت دارد که کارگزاران مضمون از خطا نیستند و نظارت بیرونی می‌تواند درصد خطا و فساد مسئولان را کاهش دهد. حضرت علی (علیه‌السلام) نظارت و نصیحت مسئولان را از حقوق مدنی مردم می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: «ای مردم، همان‌گونه که من بر شما حقی دارم، شما نیز بر من حق دارید... و اما حق من بر وفادار باشید، و در کاستی‌ها و ناهمگونی‌ها که احیاناً پیش می‌آید، خالصانه پیش‌قدم شوید، در حضور و غیاب دولت‌مردان در رفع و تذکر دادن به مسئولین مربوط بکشید.»

۲. توصیه مسئولان به تقوا

تقوا از بایستگی‌های زندگی مؤمنانه است؛ اما این امر برای مسئولان نظام، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسئولان نقش بنیادی در اصلاح و فساد جامعه دارند؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي؛ دو گروه از امت من هستند که اگر اصلاح شوند، امام اصلاح می‌شود و اگر فاسد گردند، امت فاسد می‌گردد. گفته شد که آن دو گروه کدام‌اند؟ و حضرت پاسخ دادند: الْفُقَهَاءُ وَ الْأُمَرَاءُ؛ فقیهان و امیران.»

۳. توصیه به خوب ماندن و خوب عمل کردن مسئولان حقیقت این است که مسئولیت یک فرصت است؛ فرصتی که انسان می‌تواند با کارکردن برای خدا و خلق خدا زمینه سعادت دنیا و آخرت خود را فراهم کند و نام نیک از خود باقی گذارد. این امر، میسر نیست مگر اینکه قدرت و ثروت در مسیر صیانت از دین، خدمت برای مردم، عدالت و کرامت انسانی قرار گیرد؛ همانگونه که امام علی(ع) در نامه به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان، از حکومت به‌عنوان امانت یاد کرده‌اند، حکومت را ابزاری برای عملیاتی کردن دستورات دین دانستند. خوب ماندن در این است که مسئول با انجام دادن عمل صالح به وعده‌های خود عمل کند؛ زیرا خوب ماندن و خوب عمل کردن، محبوبیت اجتماعی و دعای خیر مردم و جلب رضایت خداوند را در پی دارد.

۴. توصیه به صبر در مبارزه با استکبار

یکی از شاخصه‌های مهم انقلاب اسلامی، استکبارستیزی است. استکبارستیزی با هویت انقلاب اسلامی در آمیخته است، بطوری که در صورت کنار گذاشتن آن، انقلاب دستخوش دگرپرسی هویتی خواهد شد. روحیه استکباری و اهداف سلطه‌گرایانه از خصوصیات استکبار به ویژه آمریکاست و علت مخالفت ما با آمریکا نیز به دلیل این خصوصیت است.

### بررسی ظرفیت‌های حقوقی اجرای صحیح برنامه هفتم توسعه



علی تقی‌نژاد

معاون مبارزه با فساد اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

فلسفه اصلی تدوین برنامه‌ها، ریل‌گذاری، تعیین مسیر و راهبری قوای سه‌گانه و زیر مجموعه‌های آنان و همچنین دستگاه‌های غیردولتی در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و نهاد‌های مرجع باید در چهارچوب برنامه‌ها، اقدام به سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری یا ایجاد خط‌مشی صحیح و عملیاتی نمایند. چنانچه تقنین و سیاست‌گذاری دچار نقص و کمبود باشد، مسلماً نتیجه مطلوبی حاصل نخواهد شد. تاکنون شش برنامه پنج‌ساله توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به تأیید نظام رسیده که شایسته است مجموعه‌هایی، آسیب‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها را شناسایی کنند تا با کمترین نقص و عیب، برنامه‌های هفتم به تصویب برسند.

مثلاً در قسمت «آسیب‌شناسی»؛ به‌عنوان نمونه اگر بخواهیم صرفاً برنامه ششم توسعه را مورد نقد و بررسی قرار دهیم، باید چنین نوشت: به دلیل عدم ضمانت اجرای کافی، عدم نظارت دقیق و همچنین ضعف قانونی و عملکردی، نتوانسته‌اند آنچه‌ای که باید و شاید، متمرکس و در امتداد اهداف و سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ایران باشد.

اما راهکارهای پیشنهادی:

۱. فعال‌سازی نظارت پیش‌بینی دیوان عدالت اداری؛ ذیل «امور ایثارگران» در برنامه ششم توسعه، در برخی موارد هیئت وزیران مکلف شده است با ملاحظه موعد مقرر قانونی، به تصویب آیین‌نامه اقدام نماید که متأسفانه با گذشت بیش از پنج سال، در مواردی از آن، اهمال و سستی در عمل به قانون مشاهده گردید. با توجه به اینکه تقریباً هیچ ضمانت‌اجرائی بابت عدم تصویب آیین‌نامه در زمان مشخص قانونی وجود ندارد، شاید بتوان با اصلاح قانون دیوان عدالت اداری و فعال‌سازی نظارت پیش‌بینی آن نهاد، در این زمینه شاهد کارایی بهتر باشیم.

۲. اجرای دقیق برنامه با سازوکار پیشرفته علمی؛ می‌توان با ایجاد «سامانه رصد و پایش» جهت هماهنگی بیشتر سازمان‌ها و مجموعه‌های مرتبط با قانون برنامه هفتم توسعه، ضمن زمان‌بندی دقیق و شفاف در قالب بخشنامه و دستورالعمل، به‌طور مستمر پیگیری اجرا شدن یا نشدن، تأخیر در اجرا یا فوت وقت در مراحل از تقنین یا سیاست‌گذاری بود. در واقع، یک «نظارت درونی» بین سازمان‌ها شکل بگیرد.

۳. مطابق با اقتضانات زمانی و موقعیت و شرایط حساس کشور تدوین گردد؛ گاهی برخی موارد صرفاً همان عباراتی است که در برنامه‌های پیشین ذکر شده است؛ درحالی‌که باید امروزه مخصوصاً در حوزه «اقتصادی» با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب،

الگوی پایه اسلامی- ایرانی پیشرفت و همچنین سند چشم‌انداز بیست‌ساله - که به سال‌های پایانی رسیده- به تدوین و تصویب برنامه هفتم پرداخت تا با شرایط حال حاضر، تطبیق داشته باشد.

۴. نظارت بر عملکردها (نظارت بیرونی)؛ یکی از عوامل اقدام سریع و فوری نسبت به اجرای برنامه، وجود نهاد ناظر و مستقل است. صرف تقنین و سیاست‌گذاری نهاد‌های مرجع، اقدام صد درصدی و پیشرفت تلقی نمی‌شود. تا زمانی که نظارت و بازرسی جدی بر اقدامات صورت نگیرد و شاهد پاسخگویی نسبت به چرایی عملکردها نباشیم، تصویب برنامه از اول هم اشتباه بوده و البته مفاسدی نیز به دنبال خواهد داشت.

### برنامه هفتم توسعه، فضای مجازی و چالش‌های تقنینی آن



علیرضا عقیلی بهنام  
پژوهشگر و مدیر روابط عمومی اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

آیا اغتشاشات اخیر ضرورت روزافزون تقنین و نظارت در حوزه فضای مجازی را روشن نمی‌کند؟ احتمالاً برخی از فرهیختگان محترم پاسخ این سوال را در طرح مشهور «صیانت» و اقدامات تحدیدکننده جستجو می‌کنند، اما به نظر می‌رسد این پاسخ، صحیح نیست. براساس بند ۱۹ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری و همچنین سایر رهنمودهای ایشان در حوزه فضای مجازی، راهکارهای دیگری در حوزه سامان بخشی به فضای مجازی متصور است که به نظر می‌رسد قانون‌گذار محترم در برنامه هفتم توسعه می‌بایست این محورها را مورد تأکید قرار دهد؛

۱. ارتقاء شبکه ملی اطلاعات و اینترنت داخلی با بروزرسانی سامانه‌ها و زیرساخت‌های داخلی به منظور افزایش کیفیت و سرعت خدمات به کاربران

۲. ارتقاء امنیت سایبری با تقویت نظارت و زیرساخت‌های امنیت شبکه برای حفظ داده‌های کاربران

۳. وضع قوانین کیفری برای مجرمین سایبری و جرم‌انگاری دقیق عناوین نوظهور با اصلاح و بروزرسانی قوانین قبلی که در مصوبه شماره ۹۹/۱۰۷۱۰۵ شورای عالی فضای مجازی نیز به آن اشاره شده است.

۴. پیش‌بینی مسئولیت مدنی برای اموری از قبیل دعوت به اغتشاش و تخریب اموال عمومی توسط افراد مشهور

۵. ایجاد فضای رقابتی برای سامانه‌ها و پیام‌رسان‌های داخلی و حمایت‌های مادی و معنوی از ارتقاء خدمت‌رسانی به کاربران

۷. ایجاد نظام احراز هویت و طبقه‌بندی سنی در دسترسی به اطلاعات

۸. برخورد بدون مسامحه با متخلفان و برهم‌زنندگان نظم و امنیت روانی مردم در فضای مجازی

۹. پیش‌بینی و اعمال نظارت قضائی بر فعالیت سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و سامانه‌های خارجی

۱۰. ایجاد مشوق‌های قانونی برای شرکت‌های خارجی به منظور انتقال سرورهای کاربران ایرانی به داخل کشور و همچنین فعالیت براساس قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران

فیلترینگ و محدودیت دسترسی به سامانه‌های خارجی اگر به صورت هوشمند و دقیق و با جایگزین داخلی مناسب، اذیت رسانه‌های صحیح و اقدام تدریجی همراه نباشد، موجب بی‌اعتمادی عمومی و عدم موفقیت حاکمیت در این مسئله خواهد شد. هرچند اگر کیفیت و امنیت خدمات فضای مجازی در بستر اینترنت ملی آنگونه که در بند ۱۹ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه ذکر شده ارتقاء یابد، علی‌القاعده اکثریت قاطع مردم به سمت آن خواهند گرایید و نیاز جدی به فیلترینگ نخواهد بود. هوشمند و دقیق بودن فیلترینگ نیز بدین معناست که اگر ما معتقد به جنگ فرهنگی تمام عیار در عرصه رسانه و فضای مجازی هستیم می‌بایست برای این حوزه رویکرد فعال حقوقی نیز داشته باشیم.

تواصی به حق و جهاد تبیین در فضای مجازی زمانی منجر به شکست دشمن می‌شود که اولاً در یک زمین بازی که او نیز حضور دارد صورت پذیرد و طبیعتاً این

مسئله با صرف فیلترینگ محقق نمی‌شود و اتفاقاً منجر به دور شدن نیروهای انقلابی از این فضا می‌گردد. ثانیاً باید حمایت‌های قانونی، اجرایی و قضائی لازم برای چارچوب‌مند شدن اقدامات در فضای مجازی صورت پذیرد. افرادی که می‌خواهند در فضای مجازی به جهاد تبیین بپردازند می‌بایست از حمایت‌های قانونی لازم برخوردار باشند و همچنین قوانین و تصمیمات مسئولان موجب محدودیت بی‌موردی برای آنان نباشد، برای مثال دسترسی به شبکه اجتماعی توئیتر برای فعالین فضای مجازی محدود و دارای زحمت فراوان است اما تمامی مسئولان بلندپایه کشور در آن فعالیت دارند. این مسئله خود یکی دیگر از نشانه‌های جدی و لنگاری فضای مجازی و عدم توجه به چارچوب‌مندی آن است.

مسئله نظارت بر فضای مجازی و مقابله با ولنگاری آن، یکی از چالش‌های جدی کشور است که عزم جدی مسئولان را در تمام قوا می‌طلبد و به نظر می‌رسد صرف تقنین در مجلس شورای اسلامی بدون عزم دولت در مقررات‌گذاری و اجرا و همچنین قوه قضائیه در نظارت قاطع و طراحی لوائح مربوطه می‌تواند منجر به متروک شدن قوانین و در نتیجه افزایش ولنگاری این فضا شود.

عنایت ویژه قانون‌گذار در تدوین و تصویب برنامه هفتم توسعه به بند ۱۹ سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری و همچنین «سند راهبردی جمهوری اسلامی در فضای مجازی» مصوب شورای عالی فضای مجازی و نیز پرهیز از مقررات‌گذاری‌های ضعیف، بدون پشتوانه قانونی و بدون رعایت اصول قانون‌نویسی، می‌تواند قدمی مهم و مؤثر در برقراری حاکمیت ملی و صیانت از ارزش‌های اسلامی- ایرانی در فضای مجازی کشور باشد.

### رویای توسعه



علی شکراللهی  
پژوهشگر و مدیر پژوهش اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

از عوارض وضعیت توسعه نیافتگی این است که بیش از آنکه به لوازم توسعه یافتگی و مفهوم آن اندیشیده شود با عجله سعی در برپایی و یا حتی واردات آن وجود دارد. همین نگرش سبب شده تا تدابیر ایجاد توسعه در کشور از عصر پهلوی تاکنون تدایمی ناموفق و برنامه‌های بی‌دری توسعه اثری در ارتقای جدی کشور نداشته باشد و همچنان درگیر مسائل لاینحلی باشیم که بعضاً در صد سال اخیر به آن مبتلا بوده‌ایم. توسعه امری است که در عصر جدید بطور طبیعی توسط خرد انسان جدید در جهان غرب همراه با پیشرفت علم و تکنولوژی پدید آمده و همان عقلانیت آن را راهبری نموده است. بنابراین توسعه بیش از آنکه نیازمند دستور و برنامه باشد متوقف بر شناخت لوازم و جهاد در مهیا ساختن آن است. این تلقی از توسعه که می‌توان آن را مانند کالایی وارد کرد و با تبدیل آن به برنامه و قانون الزام‌آور در جامعه پیاده نمود، ناشی از درک غلط توسعه است لذا شاهد آن هستیم که حتی در برنامه‌نویسی و قانون‌گذاری هم دچار شعارزدگی و کلی‌گویی به دور از واقع بینی و آینده نگری می‌شویم و صرفاً گزاره بر گزاره پیوند می‌دهیم. «ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز و تکریمی کردن تورم طی پنج‌سال»، «اصلاح الگوی کشت بانوجه به مزیت‌های منطقه‌ای و منابع آبی»، «افزایش حداکثری تولید نفت خام و گاز طبیعی در میدین مشترک»، «ارتقاء نظام سلامت براساس سیاست‌های کلی سلامت»، «تحکیم نهاد خانواده و رفع موانع رشد و شکوفایی بانوان»، «توسعه صنعت گردشگری و ترویج صنایع دستی»، «افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری»، «روزآمدسازی و ارتقاء نظام آموزشی و پژوهشی کشور»، «اجرای چند طرح عظیم اقتصادی ملی، پیشران، زیرساختی، روزآمد و مبتنی بر آینده‌نگری»، گزاره‌های اخیر بخشی از مواردی است که در قالب سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه نگارش و ابلاغ شده است. عباراتی کلی، مبهم، فاقد ضمانت اجرا، بدون جهت مشخص و غیرقابل سنجش. واضح نیست این گزاره‌های مبهم و کلی چگونه و به چه ترتیب می‌توانند ضامن و محقق‌کننده هدف کلانی باشند که در ابتدای همین سیاست‌ها تصریح

شده است. در این باره آمده است: «هدف کلی و اولویت اصلی برنامه هفتم با رعایت سیاست‌های کلی مصوب، پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت با نرخ رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد در طول برنامه تعیین می‌شود با تأکید بر افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید (منابع انسانی، سرمایه، فناوری و مدیریت)» با نگاهی کلان‌تر می‌توان پی برد که اصلاح واقعی ساختار اداری حجیم و ناکارآمد کشور، بروکراسی پیچیده، اقتصاد دولتی فرسوده و... مقدم بر امری مثل «اجرای چند طرح عظیم اقتصادی، ملی، پیشران، زیرساختی، روزآمد و مبتنی بر آینده نگری است» است و اجرای هر طرح «عظیم» در بستر این نظام اداری و اقتصادی یا با شکست مواجه خواهد شد و یا با هزینه گزاف مانند برجی در کنار دریای توسعه نیافتگی سر بر می‌آورد. از سوی دیگر توسعه اقتصادی به معنای دقیق کلمه زمانی محقق خواهد شد که نهاد سیاست و فرهنگ هم‌عرض آن بلکه مقدم بر آن دست‌خوش تغییر و اصلاح شوند؛ چیزی که در این سیاست‌ها التفات خاصی به آن نشده است. این مبهم‌گویی و کلی‌نویسی مذکور سبب تفسیرپذیری آن در مرحله تقنین، اجرا و ارزیابی خواهد شد که خود راه اصلاحات بعدی را به بن‌بست میکشاند. شاید بهتر باشد با نگاهی عبرت‌آموز به گذشته علل عدم موفقیت برنامه‌های پیشین را بررسی نمود و با فراهم کردن لوازم پیشرفت و توسعه زمینه را برای انجام فعالیت‌ها و اقدامات آتی مساعد سازیم. چنانچه این لوازم فراهم گردد چرخ توسعه مطابق با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت حرکت خواهد کرد بدون آنکه نیاز به برنامه‌های حجیم و اسناد و قوانین دست و پاگیر باشد.

### حق بر آگاهی شرط تحقق امنیت اقتصادی در سیاست‌های کلی برنامه هفتم



محمدحسین شهریار  
پژوهشگر و معاون اجرایی اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ارکان امنیت یک کشور تلقی می‌شود و رشد اقتصادی و رفاه جامعه، جز در سایه امنیت اقتصادی تحقق نمی‌یابد. مفهوم امنیت اقتصادی اولین بار در سال ۷۹ و در پی ابلاغ سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی با به نظام حقوقی کشور گذاشت. اخیراً نیز در پی ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم، بار دیگر این مفهوم مورد تأکید مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی نظام قرار گرفت و در بند (۲۶)، به روزآمدسازی سند تحول قضایی و اجرای آن با تأکید بر حمایت حقوقی و قضایی از امنیت اقتصادی اشاره شد.

یکی از عناصر تحقق امنیت اقتصادی، آگاهی به موقع شهروندان و به خصوص فعالین اقتصادی، از تصمیمات اقتصادی دولت است. امری که متأسفانه در قضایای مختلفی مانند آزادسازی نرخ بنزین در آبان‌ماه سال ۱۳۹۸ و یا تصمیم حذف ارز ترجیحی و آزادسازی قیمت برخی از کالاهای اساسی توسط دولت در چند ماه اخیر، اثرات سوء عدم رعایت آن به وضوح دیده شد. تصمیمی که به بیان دولت، یک «جراحی اقتصادی» می‌باشد، اما یک جراحی بدون اطلاع قبلی بیمار!

حق بر آگاهی یکی از حقوق شناسایی شده برای شهروندان یک جامعه است. حتی که به موجب آن، حکومت حق ندارد شهروندان خویش را نامحرم بیانگارد و آنها را از جریان امور، مطلع نسازد. ریشه چنین حقیقی را می‌توان در اصل شفافیت جست. طبق تعریف ارائه شده از سوی سازمان بین‌المللی شفافیت، شفافیت، شفافیت اصلی است که افراد بتوانند از تصمیمات اداری که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نه فقط از اصل موضوع، تعداد موضوع‌ها و شیوه‌های تصمیم‌گیری آن‌ها مطلع گردند، بلکه وظیفه و تکلیف مستخدمان و مدیران دولتی این است که رفتار آنان قابل رؤیت، قابل پیش‌بینی و قابل درک باشد. سرچشمه چنین حقی را می‌توان در دستورات اسلامی نیز دید. امیرالمومنین علی(ع) در نامه ۵۰ نهج‌البلاغه، می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ لَكُم عِنْدِي أَنْ لَا أَحْتَجِبَنَّ دُونَكُمْ بَشَرًا وَلَا فِي حَرْبٍ» (آگاه باشید که شما این حق را بر من دارید که هیچ رازی را مگر در

خصوص جنگ از شما پنهان ننمایم).

حق بر آگاهی، ارتباط تنگاتنگی با حق مشارکت در تعیین سرنوشت نیز دارد. شهروندان یک جامعه می‌توانند چنین حقی را از طریق انتخابات یا همه‌پرسی اعمال کنند اما شکل دیگر اعمال این حق، آگاهی مردم از تصمیمات و به تبع، نقد و نظردهی درباره آن است. طبق بند (۸) اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف دولت تحقق «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» می‌باشد و لازمه تحقق چنین وظیفه‌ای، آگاهی مردم از امور کشور و حاکمیت است.

در نظام حقوقی ایران، به صراحت به چنین حقی با یک صفت اضافه اشاره شده است و آن هم صفت «به موقع» است. یعنی صرف آگاهی مردم از تصمیمات مهم نیست، بلکه شهروندان بایستی قبل از گرفتن تصمیم و اجرای آن از موضوع آگاه باشند آن هم با یک فاصله زمانی مناسب. این فاصله زمانی، دو فاصله دارد: اول آنکه مردم و خصوصاً ذینفعان، می‌توانند نظرات خود را به مسئولان تصمیم‌گیر اعلام و در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت کنند و دوم اینکه، بتوانند خود را برای تغییراتی که به موجب یک تصمیم به وجود می‌آید آماده کنند و برنامه‌ریزی فعالیت‌های خود را منطبق با تغییرات آینده انجام دهند تا دچار یک شوک در زندگی خود نشوند. وظیفه دولت است که از چنین شوکی جلوگیری کند تا هم به زندگی مردم و امنیت اقتصادی و روانی آنان صدمه‌ای وارد نشود و هم موجب از بین رفتن اعتماد عمومی نسبت به تصمیمات حکومتی نشود.

طبق ماده (۲۴) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب سال ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی، دولت و دستگاه‌های اجرایی مکلفند به منظور شفاف‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری، هرگونه تغییر سیاست‌ها، مقررات و رویه‌های اقتصادی را در زمان مقتضی قبل از اجراء، از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم برسانند. طبق تبصره همین ماده، مواردی که محرمانه بودن آن اقتضا داشته باشد، با تشخیص بالاترین مقام دستگاه اجرایی، مستثنی است. وجود چنین تبصره‌ای می‌تواند باعث خودتشخیصی مقامات در محرمانه اعلام کردن تصمیمات شود و عملاً چنین حقی را تضییع کند اما چاره راه را باید در قانون دیگری جست. وفق ماده (۱۱) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوبه و تصمیمی که موجب حق یا تکلیف عمومی است قابل طبقه‌بندی به عنوان اسرار دولتی نمی‌باشد و انتشار آن‌ها الزامی خواهد بود. علاوه بر مواد قانونی فوق، منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران، در ماده (۶۹) خود بیان می‌دارد: «حق شهروندان است که از فرایند وضع، تغییر و اجرای سیاست‌ها، قوانین و مقررات اقتصادی اطلاع داشته باشند و نظرات خود را به اطلاع مرجع تصویب‌کننده برسانند و با فاصله زمانی مناسب از اتخاذ تصمیمات متفاوت با سیاست‌ها و رویه‌های پیشین مطلع شوند تا بتوانند خود را برای وقوع تغییرات آماده کنند و پس از اتخاذ تصمیم و برای رعایت اصل شفافیت، شهروندان حق دارند با اطلاع‌رسانی عمومی از تصمیمات آگاهی یابند.» امید است که از این به بعد، دولت در تصمیم‌گیری‌های خود ملنزم به رعایت چنین حق قانونی در قبال شهروندان باشد و از شوک‌درمانی که اثری جز سلب اعتماد مردم و مختل شدن برنامه‌های معیشتی آنان ندارد، پرهیز نماید.

لزوم سیاست‌گذاری جهت اصلاح نظام آموزشی کشور در برنامه هفتم توسعه و ارائه راهکار جهت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان

علی پوستینی و محمد بوالحق

پژوهشگران اندیشه حقوق بشر و شهروندی

#### مقدمه

امروزه به دنبال پیشرفت تکنولوژی و علم به خصوص از قرن ۱۸ به بعد که با انقلاب صنعتی مصادف شد، نمی‌توان از نقش علم در تمام ابعاد مختلف زندگی بشری (اعم از سیاست، اقتصاد، فرهنگ و...) مغفل

ماند، کما اینکه از عمده دلایل توسعه اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و پیشی گرفتن آن‌ها از کشورهای درحال توسعه از حیث اقتصادی، رشد چشمگیر علمی و مؤثر واقع شدن در افزایش تولید ناخالص داخلی و در یک کلام پیشرفت اقتصاد است.

با گسترش روزافزون عرصه‌های علم و فناوری تأثیر این مقوله بر اقتصاد هر کشور امری محسوس است و مقام معظم رهبری به دلیل واقف بودن بر اهمیت این مسئله، امسال را سال تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌زایی نامیدند که عبارت دانش‌بنیان دلالت بر رشد اقتصادی و بهبود معیشت مردم با اتکا بر رشد علم دارد. کما اینکه از عمده دلایل توسعه اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و پیشی گرفتن آن‌ها از کشورهای درحال توسعه از حیث اقتصادی، رشد چشمگیر علمی و مؤثر واقع شدن در افزایش تولید ناخالص داخلی و در یک کلام پیشرفت اقتصاد است.

با گسترش روزافزون عرصه‌های علم و فناوری تأثیر این مقوله بر اقتصاد هر کشور امری محسوس است و مقام معظم رهبری به دلیل واقف بودن بر اهمیت این مسئله، امسال را سال تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌زایی نامیدند که عبارت دانش‌بنیان دلالت بر رشد اقتصادی و بهبود معیشت مردم با اتکا بر رشد علم دارد. حتی ایشان در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه در راستای اجرای بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، در بند ۲۰ آن سیاست‌ها به اهمیت به‌روزسازی و لزوم ارتقا و احیانا اصلاح ساختارهای آموزشی و پژوهشی کشور جهت تحقق مقصود و غایت اجرای برنامه هفتم که با اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت تعیین شده است اشاره کرده اند، اما تحقق این امر نیازمند طراحی یک سازوکار و سیاست‌گذاری مطلوب توسط نهادهای ذیربط (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، دولت و...) در چهارچوب اختیارات قانونی آنان می‌باشد و ما در این راستا به دنبال ارائه یک راهکار عملیاتی به مجلس شورای اسلامی هستیم. به امید آنکه قوه مقننه به عنوان نهاد قانونگذار (وفق اصل ۷۱ قانون اساسی) در تدوین و تصویب برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه (به عنوان مهمترین سند الزام‌آور پنج‌سال پیش رو) و همچنین برداشتن گامی در جهت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان و جامه عمل پوشاندن به بند ۲۰ سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری به این راهکار و راهکارهای دیگر دانش‌پژوهان این عرصه توجه خود را مبدول نماید.

لازم به ذکر است که ظرف شش سال اخیر حدوداً سیصد هزار مقاله از کشور در پایگاه‌های معتبر علمی و پژوهشی همچون Wos و همچنین حدود هفتصد هزار رساله و پایان نامه در کشور به ثبت رسیده است که این آمار علی‌رغم اینکه از لحاظ کمیت درخشان محسوب می‌شوند اما درصد تأثیر همین مقالات در عرصه اقتصاد و سهم اقتصاد دانش‌بنیان در تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص ارزیابی اقتصاد هشت دهم درصد (یعنی کمتر از یک درصد) است، در حالی که همین تأثیر در آمریکا و آلمان به ترتیب ۱۸ و ۲۳ درصد است، یا این که در مقاله‌ای موسوم به نیچر که به بررسی تأثیر پژوهش‌های دانشگاهی در جامعه به صورت عینی می‌پردازد طبق یک منجی بیان می‌دارد که پاکستان از حیث تأثیر و تأثرات علم در حل مسائل جامعه از بسیاری از کشورهای از جمله جمهوری اسلامی ایران پیشی گرفته در حالی که تعداد مقالات چاپ شده از سوی این کشور نسبت به ایران بسیار کمتر است.

در نتیجه باید این نکته را مورد توجه قرار داد که رشد آمار سرانه تولید مقالات لزوماً به معنای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان نیست و برای تحقق این امر باید به دنبال یک راهکار و سیاستی بود که سطح تعامل میان دانشگاه و صنعت کشور افزایش یابد و پژوهش‌های دانشگاهی مبتنی بر حل یک مسائل و چالش‌های موجود در جامعه باشد (مسئله محور باشد)، که لازمه امر توجه خاص داشتن به پژوهش‌های کاربردی و تقابل میزان پژوهش‌های بنیادی است. (البته برای این امر باید وجوه متمیز این دو نوع پژوهش را شناخت که البته این موضوع در این مقال نمی‌گنجد).

ارائه یک راه حل

جهت افزایش سطح پژوهش‌های کاربردی (پژوهش‌هایی که به حل یک مشکل عینی در محیط منتج می‌شود) در دانشگاه‌ها و مراکز علمی:

۱. باید جهت انجام پژوهش ابتدائاً توسط یک نهاد متصدی امر اجرایی نسبت به این مراکز تقاضا وجود داشته باشد و وقتی یک مرکز چنین تقاضایی داشته باشد. یقیناً از آنجا که نهادهای اجرایی با فضا و محیط جامعه همبستگی دو چندانی دارند قطعاً انجام پژوهشی که با تقاضای این نهاد باشد بازدهی بیشتری در سطح جامعه دارد به نسبت دانشگاه‌ها که نسبت ارتباط آنها با اجتماع کمتر است.

۲. پژوهش در راستای حل یک مسئله باشد چرا که بسیاری از پژوهش‌های دانشگاهی ما نه تنها به حل یک چالش در جامعه کمترین مساعدتی نمیکنند، بلکه باعث هدررفت بودجه تخصیص یافته به موضوعات می‌شود و در صورتی که مسئله در بادی امر مشخص نشده باشد، ممکن است آن مسئله، سوال و به زبان ساده‌تر چالش واقعی در سطح جامعه نباشد و این باعث فاصله گرفتن پژوهش از کاربردی بودن شده و در نتیجه حل مشکل در جامعه محقق نمی‌شود.

۳. پژوهش انجام شده دارای معیارهایی باشد که آن را دارای یک خروجی مطلوب بدانیم، در این راستا به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌شود که وضع آیین‌نامه تعیین معیار مطلوب را به نهادهای اجرایی مثل وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی با همکاری نهادهای غیرحاکمیتی مثل تشکل‌ها و گروه‌های دانشجویی و اعضای هیئت علمی واگذار نماید و در این آیین‌نامه علاوه بر تعیین معیارهای خروجی مطلوب یک پژوهش، سیاست‌گذاری مطلوب جهت انطباق مصداق بر معیار را ارائه دهد، مثلاً یک سری کارگروه رصد متشکل از نیروهای متخصص هر حوزه که ترکیبی از دانشجویان نخبه و اساتید و بعضاً یک نماینده از وزارت علوم در دانشگاه‌های هر استان تشکیل دهد و اعضای کارگروه رصد استان، ذیل خود کارگروه‌های مجزایی مربوط به شهرهای استان و به صورت جزئی‌تر کارگروه‌هایی مربوط به هر دانشگاه ایجاد نمایند.

در کنار موارد فوق می‌توان طبق یک سیاست‌گذاری مطلوب توسط مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهای قانونگذار به معنای عام در هر استان یک شورا بصورت مجزا متشکل از متخصصان علمی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و... تشکیل داد و یا همان شورای ذکر شده در بند قبلی را طبق یک قانون الزام‌آور موظف به تدوین و تهیه یک سند آمایش سرزمینی کرد به منظور تعیین اولویت طرح‌ها و پروژه‌هایی در هر استان و تقدیم آن به مراکز علمی و دانشگاهی در همان استان.

در مجموع باید گفت انجام تک تک راهکارها و در نتیجه رسیدن به یک نظام آموزشی پویا که به حل مسائل اساسی کشور کمک کند، نیازمند همبستگی و تعامل بیش از پیش بین نهادهای مراکز علمی و دانشگاهی با نهادهای متصدی امر اجرایی در کشور می‌باشد، یعنی باید به نوعی یک حلقه میانی به جهت ارتباط این دو نهاد ایجاد کرد مثلاً کارگروه‌های رصد، شوراهای تصمیم‌گیری در هر استان به تفکیک و... تشکیل داد که این امر نیازمند سیاست‌گذاری مطلوب توسط مجلس شورای اسلامی و دولت (در قانون برنامه هفتم توسعه به‌عنوان مهمترین چشم‌انداز توسعه کشور) و موظف کردن نهادهای اجرایی متصدی امر (وزارت علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی و...) به وضع آیین‌نامه‌های اجرایی در وهله اول می‌باشد. در ضمن باید در همین سیاست‌گذاری‌ها ایجاد یک سازوکار نظارتی مطلوب به جهت جلوگیری از فساد و تحقق نتیجه به صورت مطلوب پیش‌بینی شود.

انجام اجزا؛ حلقه مفقوده تحول در نظام قضایی

دکتر جعفر صادق منش

قائم مقام دبیر ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

در سه جزء اصلی یعنی آیین دادرسی، قوانین ماهوی و بالاخره مدیریت قضایی جای داد.

اگر بین این سه جزء نظام قضایی و نیز بین نظام قضایی با سایر شاخه‌های نظام حکمرانی انسجام وجود نداشته باشد، نباید انتظار تحولی شریک از هر تلاشی در این نظام داشت؛ هرچند فرایند طراحی و اجرای برنامه‌ها با دقت و هوشمندی همراه باشد. یکی از ابعاد و بلکه مهمترین بعد انسجام در اینجا، مخرج مشترکی به نام اسلامی بودن قواعد و اصول حاکم بر نظام قضایی و اجزای آن است که همچون نخ تسبیح این اجزا را به مثابه دانه‌های تسبیح بهم پیوند می‌دهد و کارکرد مورد انتظار از آن را رقم می‌زند. حقیقت آن است که معماری نظام قضایی ما به دلایلی همچون تأثیرپذیری از مبانی لیبرالیسم در جریان کپی‌برداری غیراصولی و همراه با بی‌احتیاطی از برخی قوانین اروپایی، عدم فهم تأثیر مقتضیات زمان و مکان در قانونگذاری، عدم تشخیص دقیق موضوعات احکام و غیر آن‌ها، با شاقول اسلامیت هم‌تراز نیست؛ چه در مینا و چه در بنا؛ چه در امور شکلی، چه در امور ماهوی و چه در مدیریت قضایی.

در این مختصر از باب نمونه، تیزوار به مواردی از عدم انسجام در سه حوزه یاد شده اشاره می‌کنم:

۱- عدم انسجام مقررات مربوط به پذیرش توبه در غیرجرانم حدی با مسلمات فقه اسلامی  
۲- عدم ایستای نظام دادرسی بر اصل مجتهد بودن قاضی و عدم وجود برنامه‌ای برای خروج از حالت اضطرار توجیه‌کننده بکارگیری قضات غیر مجتهد با گذشت ۴۳ سال از پیروزی انقلاب اسلامی

۳- عدول از برخی اصول دادرسی اسلامی در حوزه حقوق دفاعی متهمان با فهم نادرست سخت‌گیری در جرائم اقتصادی

۴- عدم تضمین اصل استقلال قضایی در برخی حوزه‌ها مانند دادرسی جرائم نیروهای مسلح  
۵- عدم کارآمدی نظام جذب قضات که منجر به جذب قضات زیادی با افکار لیبرال و سکولار و مخالف قوانین اسلامی شده است.

۶- عدم چاره‌جویی اصولی برای حاکمیت اصل قانونی‌بودن جرم و وجود قاعده قبح عقاب بلا بیان  
۷- عدم انطباق مقررات مرتبط با اصل جرم پوشی در حوزه جرائم منافی عفت با مقتضیات زمانه، به گونه‌ای که موجب گسترش فساد اخلاقی و تظاهر به آن شده است.

۸- عدم سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری مناسب در حوزه تفسیر قوانین  
۹- عدم وجود سازوکاری برای سنجش اثربخشی آراء قضایی در نيل به اهداف نظام دادرسی و به ویژه پیشگیری از تکرار جرم و بازدارنگی عام

۱۰- بدعت در افزودن جهت سومی با عنوان حیثیت عمومی جرم کنار حق الله و حق الناس که زمینه توسعه مداخله کیفری را بر خلاف اصل مداخله کمیته حقوق کیفری در اسلام فراهم کرده است. ناگفته پیداست که گفتگوی تفصیلی در هر یک از محورهای یاد شده فرصتی مستوفی می‌طلبد؛ امیدوارم پژوهشگران و دانشجویان این عرصه مجال پرداختن به این موضوعات را داشته باشند.

#### نقطه عطف تاریخی حکمرانی فضای مجازی در پساکیفرینگ واتس‌آپ و اینستاگرام



دکتر محمدصادق نصراللهی

دانشیار معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۱- استقرار کلان داده در خارج از کشور، مصداق اتم استعمار مجازی؛ اگر داده را در عصر اطلاعات، مهم‌ترین دارایی ملی یک کشور بدانیم؛ کما اینکه نفت در زمان خودش چنین نقشی داشت، زیست ایرانیان در دو بن‌سازه (سکوی) آمریکایی واتس‌آپ و اینستاگرام را بایستی تقدیم کلان‌داده ملی به ثمن بخش، به نه دیگری بلکه به اصلی‌ترین دشمن دانست. اتفاقی که مصداق اتم استعمار مجازی است. شاید گفتن این سخن گزاف نباشد که «بومی‌سازی خدمات پایه پیام‌رسانی و شبکه اجتماعی از اوجب واجبات فضای مجازی» است. این اوجب واجبات بودن از جهت صرف اضطرارهای امنیتی

است که متأسفانه نگاه مسلط این روزهاست؛ بلکه از جهت کارکردهای ذوابعد تمدنی کلان‌داده است. به واقع باید کلان داده را در سطحی تمدنی تحلیل کرد و آن را سرمایه‌های مهم در جهت تمدن‌سازی در عصر اطلاعات دانست. کلان داده هم قدرت‌آفرین است، هم امنیت‌ساز. هم ثروت‌آفرین است و هم اشتغال‌زا. هم فرهنگ‌ساز است و هم هویت‌بخش است و انسجام‌دهنده. کلان داده را باید «منبع عظیم همه چیز» دانست. منبعی که متأسفانه طی ۱۰ سال اخیر به دیگری بلکه دشمن خونین تقدیم شده است. بر همین اساس، هر لحظه تأخیر در مقابله با این استعمار مجازی، گناهی نابخشودنی است و یقیناً ضمن عقوبت اخروی، شتمات آیندگان را به همراه خواهد داشت.

**۲- ناموفق بودن طرح بومی‌سازی شبکه اجتماعی در ایران:** اینکه چرا تا به امروز، شبکه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی فراگیر و اصلی کشور، داخلی و بومی نیست، قصه‌ی غرض‌های است که در این یادداشت، فرصت باز کردن آن نیست. اما اجمالاً عرض این نکته خالی از لطف نیست که تلاش‌هایی تا امروز جهت این مهم انجام شده است. اگر حضور اکثر ایرانیان را در تلگرام طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ تابع مذاکرات دولت (نه الزاماً حاکمیت) با شرکت تلگرام و رسیدن به یک نظام توافق‌بدانیم، حتی می‌توان ادعا کرد که در مقطعی طرح بومی‌سازی موفق بوده است، اما غفلت از برخی ابعاد ماجرا از جمله عدم توجه به استقرار تلگرام در اروپا و بعدها آمریکا و بالطبع تغییر رویه این شرکت در همکاری با ایران، سبب شکست خوردن این طرح شد. یا در پس‌فیلترینگ تلگرام، حضور ایرانیان در هاتگرام و تلگرام طلایی برای مقطعی باز طرح مرجع دولت (نه الزاماً حاکمیت) بود که علی‌رغم توفیق اولیه اما نهایتاً در اقدامی بی سابقه و عبرت‌آموز توسط گوگل پلی به بهانه ناامنی بودن از روی گوشتی میلیون‌ها ایرانی پاک شد و عملاً این طرح نیز به شکلی استعمارگونه توسط آمریکایی‌ها به شکست انجامید. اینکه بعد از این اتفاق، انفعال دولت نسبت به مهاجرت ایرانیان از سکوی شبه آمریکایی تلگرام به دو سکوی کاملاً آمریکایی واتس‌آپ و اینستاگرام را به چه معنایی می‌توان تعبیر کرد، نیازی به تأملات جدی دارد؛ اما آنچه جلب توجه میکند نقض غرض سیاست فیلترینگ تلگرام بود که عملاً به ضد خود بدل شد.

**۳- فیلترینگ دفعی واتس‌آپ و اینستاگرام، تهدیدی با استعداد تبدیل شدن به فرصت:** یقیناً فیلترینگ دفعی و ضربتی دو بن‌سازه اصلی پیام‌رسانی و شبکه اجتماعی کشور یعنی واتس‌آپ و اینستاگرام، باتوجه به ضربت نفوذ بالا و وابستگی شدید کاربر ایران به آنها و گره خوردن زندگی بخش قابل توجهی از مردم به آنها نه تنها خردروزانه نیست بلکه از اساس جایی در طرح بومی‌سازی دولت فعلی نیز نداشته است. اما آنچه سبب چنین تصمیمی شد، نه از سر انتخاب بلکه از جهت قرارگیری در شبه بحرانی امنیتی در کشور بود که البته این دو سکواز مهم‌ترین عوامل آن بودند. به بیان دیگر، این دو سکوا نقشی بی‌بدیل در ناامن‌سازی کشور در پس‌ماجرای مرگ مهسا امینی پیدا کردند. نقشی که البته به شکلی فرهنگی‌تر و نرم‌تر در شرایط کرونایی ایفا کرده بودند. از همین رو فیلترینگ دفعی را باید تهدید تحمیل‌شده‌ای دانست که در مقطع فعلی باید به فرصتی غیر مترقبه بدل شود. یقیناً رفع فیلترینگ در چنین شرایطی راه حل نیست بلکه به نوعی محکم‌کردن جایگاه این دو سکوی آمریکایی در کشور است و عملاً هرگونه مقابله با آن‌ها ولو به شکلی نرم و تدریجی را عملاً منتفی می‌کند و در حقیقت نوعی عقب‌نشینی در بومی‌سازی به حساب می‌آید. علی‌رغم همه موانع از جمله عدم رضایت و اعتماد کاربران و فضای بسیار منفی اجتماعی فعلی، به نظر می‌رسد در این مقطع تاریخی حساس و سرنوشت‌ساز می‌توان طی یک مجاهدت مدبرانه و هوشمندانه، مسئله استعمار مجازی و وابستگی در این خدمت مهم را حل کرد.

**۴- مروری بر تجارب پیشین بومی‌سازی خدمات پایه مجازی و تحلیل آن:** تجربه بومی‌سازی در خدمات پایه مشحون از تجارب موفق و ناموفق است.

که مرور آن‌ها در تصمیم‌گیری نسبت به شرایط فعلی مهم و ضروری است. در این جهت، چندین الگو قابل طرح است: ۱- مسدودسازی بن‌سازه‌های خارجی در بدو شکل‌گیری خدمت جهانی و بدون فراگیری در ایران و حمایت از نمونه‌های داخلی مانند حمل و نقل آنلاین ۲- محدودسازی بن‌سازه داخلی علی‌رغم فراگیری آن و ایجاد تجربه کاربری منفی نسبت به آن و هم‌زمان حمایت از نمونه‌های داخلی مانند مسیریابی ۳- مسدودسازی بن‌سازه خارجی علی‌رغم فراگیری آن در داخل و حمایت از نمونه‌های داخلی مانند اشتراک فیلم و شبکه اجتماعی. ۴- عدم مسدودسازی و محدودسازی بن‌سازه خارجی و حمایت از نمونه‌های داخلی مانند موتور جستجو ۵- ابتکار عمل آیندنگر در ارائه خدمات‌های پیش‌رو؛ چندین نکته در مورد تجارب بالا وجود دارد:

**الف-** از نظر نویسنده سطور، الگوی اول و دوم توفیق کامل و الگوی سوم توفیق نسبی داشته است. این در حالی است که الگوی چهارم همراه با شکست بوده است. الگوی پنجم نیز هنوز تجربه بیرونی جدی نداشته است که شاید در متاورس یا اینترنت اشیا تحقق یابد.

**ب-** بهترین، تمیزترین و پیچیده‌ترین تجربه ناظر به الگوی دوم است. در این جهت، از گردونه خارج کردن ویز از فضای خدمت‌رسانی مسیریابی یک تجربه موفق است.

**ج-** نسبی بودن توفیق در الگوی سوم بسته به آن بوده که از چه نمونه یا نمونه‌های داخلی‌ای حمایت شده است و به چه میزان؟ ما تجربه همراه با شکست شبکه‌های اجتماعی را بعد از فیلترینگ تلگرام و تجربه نسبتاً موفق بعد از فیلترینگ بوتیبوب را داریم.

**۵- خاص بودگی تجربه فعلی فیلترینگ واتس‌آپ و اینستاگرام:** وضعیت فعلی شبکه‌های اجتماعی، وضعیتی خاص، استثنائی و منحصر به فرد است که بدان معناست باید الگوی خاص و ویژه خود را در بومی‌سازی داشته باشند و ترکیبی از تجارب گذشته و نه تبعیت محض از یک الگو را مستلزم خواهد بود. دلایل این خاص‌بودگی به شرح ذیل است:

**الف-** تجارب ناموفق گذشته بومی‌سازی چه در توافق با تلگرام در سال‌های ۹۳ تا ۹۶، چه در حمایت از داخلی‌ها در سال‌های ۹۷ تا زمان کنونی

**ب-** ضربت تأثیر بالا و فراگیر دو بن‌سازه آمریکایی و وابستگی بی حد و حصر زندگی مردم به این دو

**ج-** سرمایه اجتماعی پایین فعلی جامعه و ایجاد اتمسفر بی‌اعتمادی

**د-** جایگاه بالای کارکرد اقتصادی این دو بن‌سازه در کسب و کارهای کوچک و شرایط تحریمی کشور و فشار اقتصادی

**ه-** تجربه منفی کاربری برند ملی و داخلی در حوزه شبکه اجتماعی با توجه به عملکرد منفی پس‌فیلترینگ تلگرام بن‌سازه‌های داخلی به ویژه سروش ز- زمزمه استارلینک و فیلترینگ‌ها و ...

**۶- بایسته‌های بومی‌سازی در خدمات پایه پیام‌رسانی و شبکه اجتماعی:** علی‌رغم همه مشکلات بالا، به نظر بن‌ساز هم نباید رفع فیلتر صورت گیرد بلکه با عبرت‌گیری از تجارب گذشته، همه عزم متمرکز بر بومی‌سازی به شکلی هوشمندانه و مدبرانه باشد. در این زمینه چند پیشنهاد و نکته عرض می‌شود:

**الف-** ضرورت وجود اجماع حاکمیتی بر بیش از دو بن‌سازه و حمایت واقعی همه‌جانبه از آن‌ها؛ اتفاقی در پس‌فیلترینگ تلگرام نیفتاد.

**ب-** ترجیحاً نمونه‌های داخلی، خصوصی باشند که امتحان خود را پس داده باشند. نگرانی جدی از عملکرد روبیکا به عنوان یک شرکت خصوصی و البته دارای تعارض منافع ذاتی و درونی (با توجه به اینکه کنشگر لایه دسترسی هم هست) وجود دارد و بیم تکرار تجربه سروش در آسیب‌رسانی به وجهه ملی می‌رود.

**ج-** شکل‌گیری جو مهاجرت بین کاربران از اوجب واجبات است. ایجا این حس که اکثر ایرانیان، در داخل زیست مجازی دارند.

**د-** وجود مشوق برای کاربران عام و خاص لازم است.

ایدپردازی جهت بسته‌های متنوع لازم و ضروری است.

**ه-** یادمان باشد اگر اتمسفر زیست مجازی ایرانیان در شبکه‌اجتماعی شکل بگیرد، می‌توان به بومی‌سازی امیدوار بود.

**و-** در حوزه تهدیدها، بیش از آنکه بایستی نگران استارلینک باشیم، واکنش منفی گوگل سرنوشت‌ساز است. در هنگام نگارش این سطور، هشدار گوگل نسبت به ناامنی بودن روبیکا در دستور کار این شرکت قرار گرفته است و پیش‌بینی حذف روبیکا مانند هاتگرام و تلگرام طلایی وجود دارد.

**ز-** از الان باید پروژه مقابله با استارلینک طراحی و اجرایی شود.

**ح-** در کوتاه مدت باید در مبارزه فیلترینگ‌ها حالتی کج دار و مریز داشت تا امکان انطباق کاربر ایرانی در شرایط جدید فراهم شود. مقابله کامل و محض با فیلترینگ‌ها، ممکن است تبعات منفی جدی اجتماعی داشته باشد.

**ط-** فیلترینگ رده‌بندی شده در میان مدت لازم و ضروری است تا افشار خاص امکان کنشگری در فضای بین‌الملل را داشته باشند.

**تقویت تعامل میان نهادهای مسئول احیای حقوق عامه؛ بررسی رابطه نهاد دادستانی و سازمان بازرسی کل کشور**



محمدظاهر صفراهه  
دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف اسلامی و حقوق و پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

سند تحول قضایی یکی از چالش‌های اساسی در بکارگیری ظرفیت‌های قوه قضائیه در اجرای‌سازی بند (۲) اصل (۱۵۶) قانون اساسی را عدم جمعیت ظرفیت‌ها و تقویت تعامل میان نهادهای مسئول در احیای حقوق عامه می‌داند (راهبرد یک از چالش اول، ذیل مأموریت دوم). بدیهی است که با توجه به قوانین و مقررات موجود و دیدگاه دکترین، احیای حقوق عامه به عنوان کارویژه اصلی دادستانی در قوه قضائیه جایابی شده است، هرچند باید توجه داشت که دادستانی به تنهایی قادر به ایفای چنین رسالت سنگینی نخواهد بود. با این حال، از چنان ظرفیتی برخوردار است که بتواند به عنوان نقطه‌ای کانونی، محور هماهنگی و ایفای نقش سایر نهادها و تشکیلات باشد. علی‌رغم وجود چنین ظرفیتی، یکی از مشکلات در دادستانی‌ها عدم توان در هماهنگی و استفاده از ظرفیت سایر نهادهای نظارتی و استفاگر حقوق عامه مانند سازمان بازرسی کل کشور است؛ در واقع مدلی کارآمد در ارتباط بین این نهادها وجود ندارد و مستقلاً به وظایف معین قانونی خود می‌پردازند. کما اینکه برخی نیز این عدم هماهنگی را بدین صورت بیان دارند که در برخی موارد امکانات نهادی دستگامی که باید اختیارات بیشتری داشته باشد از دستگام دیگر کمتر است و این از آنجا سرچشمه می‌گیرد که روابط سازمانی منسجم و تعریف شده‌ای در داخل قوه قضائیه وجود ندارد؛ بنابراین باید توجه داشت که در اصول (۶۱) و (۱۵۶) قانون اساسی، متولی احیای حقوق عامه قوه قضائیه دانسته شده است و در کنار نهاد دادستانی به عنوان متولی اصلی این وظیفه، مقامات قضایی همچون قضات (از طریق تفسیر مذکور در اصول ۷۳، ۱۶۱ و ۱۶۷)، رئیس قوه قضائیه (اصل ۱۵۸)، دیوان عدالت اداری (اصول ۱۷۰ و ۱۷۳) و سازمان بازرسی کل کشور (اصل ۱۱۷) نیز دارای صلاحیت‌هایی هستند که در زمینه صیانت از حقوق عامه قابل استفاده است.

به طور خاص در رابطه بین دادستانی و سازمان بازرسی کل کشور می‌توان به تبصره (۱) ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ اشاره داشت که طبق آن، دادستانی «در مورد جرایم منتهی به ورود خسارات به اموال دولتی و حقوق عمومی و تضییع آنها، دادستان ضمن تعقیب کیفری متهم یا متهمان در دادگاه صالح در صورت احراز ورود خسارات و ضرر و زیان، رأساً جبران آن را بدون پرداخت هزینه دادرسی از دادگاه درخواست می‌کند». با این وجود در این ماده قانونی، این موضوع مهم مشخص نیست که آیا دادستان باید گزارشات بازرسان سازمان بازرسی را ترتیب اثر دهد و اقدامات مقتضی را به انجام رساند یا آنکه تشخیص

خود دادستان ملاک عمل می‌باشد؟ این عدم ارتباط در موارد متعدد دیگری نیز نمود پیدا کرده است؛ به عنوان مثال در مواد (۲۸)، (۳۲) و (۳۳) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر وظیفه دادستان‌ها در نظارت بر ضابطین دادگستری اشاره شده است و از طرف دیگر مطابق بخشی از ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور نظارت بر نیروهای نظامی و انتظامی، که در بند (الف) ماده (۲۹) ق.آ.د.ک. به عنوان ضابطین دادگستری مورد اشاره قرار گرفته‌اند را بر عهده دارد و بدین ترتیب ضابطان دادگستری تحت نظارت و مراقبت هم‌زمان دادستانی و سازمان بازرسی قرار دارند؛ همین موضوع نسبت به رؤسا، معاونان و مأموران سازمان زندان‌ها، که به موجب بند (ب) ماده (۲۹) ق.آ.د.ک جزو ضابطین محسوب می‌شوند، در رابطه با سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیز قابل مشاهده است.

علی‌رغم وجود چنین مشکلی، این مسئله مورد نظر مسئولان قوه قضائیه قرار گرفته است و تاکنون راه‌حل‌هایی را ارائه داده‌اند؛ به عنوان نمونه در ماده (۷) دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه مصوب ۱۳۹۷ رئیس قوه قضائیه، سعی در حل این مشکل شده است؛ اما همچنان این تداخل و چالش اساسی به درستی حل نشده و نیازمند توجه جدی از جنس وضع هنجار از نوع قانون با در نظر گرفتن اقتضات خاص خود است؛ کما اینکه یکی از مواردی که به وسیله آن می‌توان به نقش تکمیلی سازمان بازرسی و دادستانی پی برد، موضوع رسیدگی به موارد تضییع حقوق عامه توسط اشخاص حقوقی خصوصی است؛ چراکه نقض حقوق عامه در بسیاری از موارد توسط این دست از اشخاص صورت می‌گیرد (مانند کارخانجات آلپند در شهرک‌های صنعتی و یا آسیب به مراکز و جنگل‌ها توسط شرکت‌های خصوصی حوزه چوب و کاغذ) و یکی از جهات تفکیک صلاحیت دادستانی و سازمان بازرسی در صلاحیت عام دادستانی به موجب ماده (۱۱۴) ق.آ.د.ک در نظارت بر اشخاص حقوقی خصوصی است که بر این اساس نظارت بر این افراد از حیطه صلاحیت سازمان بازرسی خارج است و در مقابل با اعمال نظارت دادستانی در کنار نظارت بر اشخاص حقوقی عمومی توسط سازمان بازرسی این نظارت بر طیف اشخاص حقوقی تکمیل می‌شود و در ارتباط با احیای حقوق عامه مفید به فایده خواهد بود.

## اطلاعیه

**مجلس شورای اسلامی**

و ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم

**حاشیای انقلاب اسلامی متوقف بشود و مردمی (حقوق عامه)**

**موضوعات:**

- تعمیر و بازسازی مراکز دولتی و عمومی
- تعمیر و بازسازی مراکز آموزشی و فرهنگی
- تعمیر و بازسازی مراکز درمانی و بهداشتی
- تعمیر و بازسازی مراکز ورزشی و تفریحی
- تعمیر و بازسازی مراکز فرهنگی و هنری
- تعمیر و بازسازی مراکز علمی و پژوهشی
- تعمیر و بازسازی مراکز اجتماعی و فرهنگی
- تعمیر و بازسازی مراکز اقتصادی و بازرگانی
- تعمیر و بازسازی مراکز خدماتی و رفاهی
- تعمیر و بازسازی مراکز فرهنگی و هنری
- تعمیر و بازسازی مراکز علمی و پژوهشی
- تعمیر و بازسازی مراکز اجتماعی و فرهنگی
- تعمیر و بازسازی مراکز اقتصادی و بازرگانی
- تعمیر و بازسازی مراکز خدماتی و رفاهی

**موضوعات:**

- تعمیر و بازسازی مراکز دولتی و عمومی
- تعمیر و بازسازی مراکز آموزشی و فرهنگی
- تعمیر و بازسازی مراکز درمانی و بهداشتی
- تعمیر و بازسازی مراکز ورزشی و تفریحی
- تعمیر و بازسازی مراکز فرهنگی و هنری
- تعمیر و بازسازی مراکز علمی و پژوهشی
- تعمیر و بازسازی مراکز اجتماعی و فرهنگی
- تعمیر و بازسازی مراکز اقتصادی و بازرگانی
- تعمیر و بازسازی مراکز خدماتی و رفاهی
- تعمیر و بازسازی مراکز فرهنگی و هنری
- تعمیر و بازسازی مراکز علمی و پژوهشی
- تعمیر و بازسازی مراکز اجتماعی و فرهنگی
- تعمیر و بازسازی مراکز اقتصادی و بازرگانی
- تعمیر و بازسازی مراکز خدماتی و رفاهی

**«مدرسه حکمرانی حقوق»**

اندیشکده حقوق بشر و شهروندی برگزار می‌کند:

کارگاه‌های تخصصی حقوقی و بازدید از قوای سه‌گانه

ثبت نام و جزئیات بیشتر از طریق آیدی @aminjafari\_ir در پیام‌رسان بله یا شماره تماس ۰۹۳۰۴۲۹۶۲۴۹

هزینه ثبت نام عموم افراد: ۵۰۰ هزار تومان

برای دانشجویان: ۴۰۰ هزار تومان

برای اعضای اندیشکده: ۳۰۰ هزار تومان

## جای خالی ما

یادداشتی پیرامون چرایی و چگونگی حضور بانوان ایرانی در ورزشگاهها  
**خانم دکتر نیلوفر مقدمی**  
 معاون زنان و خانواده اندیشکده حقوق بشر و شهروندی



در سال‌های اخیر تب و تاب حضور بانوان در ورزشگاه به یکی از موضوعات مهم و چالش برانگیز مسائل زنان در کشور بدل شده است؛ تا جایی که اختلاف نظر و رویه از سوی برخی نهادهای حاکمیتی در صدور یا عدم صدور مجوز منجر به شکل‌گیری دوقطبی‌های اجتماعی از یک‌سو و اعمال فشار نهادهای بین‌المللی حقوق بشری از سوی دیگر شده است. آنچه در ورزشگاه مشهود در جریان برگزاری بازی دو تیم فوتبال ایران و لبنان اتفاق افتاد، شاهدهی عینی بر این ماجرا است.

بدیهی است بهره‌گیری و مشارکت در فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و به ویژه هنری و ورزشی از حقوق مسلم ملت بوده و موضوعاتی جنسیت‌بردار نیست. به بیان بهتر، همه افراد ملت فارغ از قومیت، نژاد، مذهب و... قادرند بدون تبعیض در این حوزه‌ها فعالیت نموده و از آن بهره‌مند شوند. حضور در ورزشگاه‌ها، هیجان تماشای مسابقات ورزشی از نزدیک، طرفداری از تیم‌ها و ورزشکاران محبوب و... همه و همه در نگرشی کلان، اموری بدیهی و قابل دسترس به نظر می‌رسند. با وجود این، مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها پدیده‌ای بحرانی و بحران‌ساز تلقی می‌شود. به زعم برخی از مسئولین فضای ورزشگاه‌ها برای ورود بانوان مناسب نیست، حال پرسش آن است که این فضای مناسب چگونه محقق می‌شود و منظور از زیرساخت‌های متناسب با حضور بانوان چیست؟

با توجه به آنکه انقلاب اسلامی ایران گفتمان جدیدی از فعالیت و نقش آفرینی بانوان موسوم به الگوی سوم را بنیاد نهاده و به جای دو رویکرد خانه‌نشینی و خانواده‌گریزی، حضور اجتماعی زنان را به رسمیت شناخته و در عرض آن خانواده‌گرایی را تقویت نموده، بنابراین در مسئله ورزشگاه‌ها و تأمین زیرساخت‌های لازم باید به نکات ذیل توجه نشان دهیم:

**الف) اصلاح سیاست‌گذاری و رویه حاکمیتی:** عمده مشکلی که در مسئله ورود بانوان به ورزشگاه‌ها وجود دارد، تعارض در مقوله سیاست‌گذاری است. مطابق با بند ۱۰ مجموع وظایف سازمان تربیت بدنی در مصوبه شماره ۲۷۷ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ شورای فرهنگ عمومی: «عدم ورود بانوان به سالن‌های ورزشی مختص آقایان و بالعکس تحت هر عنوان (تماشاگر و...)» ممانعت از ورود بانوان به ورزشگاه‌ها مصوب شورای فرهنگ عمومی و دارای مستمسک قانونی است. نخستین گام در حل تعارض حاکمیت در مقوله ورود بانوان به ورزشگاه، یکپارچه کردن نگاه حاکمیتی و لغو این مصوبه است. در غیر اینصورت رویه کج‌دار و مریز دیروز و امروز تأییدهای مهم ادامه خواهد داشت.

**ب) ورزشگاه‌های خانواده‌محور:** یکی از مسائل ریشه‌ای در ورزشگاه‌های کشور، شکل‌گیری و تثبیت خرده‌فرهنگ‌های کاملاً مردانه است که در پس رفتارها و گفتارهای زشت و زننده، از آن به نامی برای حضور بانوان تعبیر می‌شود. حضور خانوادگی در ورزشگاه‌ها به معنای امن نمودن فضا و احترام به کرامت و حیثیت اجتماعات خانوادگی است. در واقع خارج کردن محیط ورزشگاه‌ها از رویکردهای تک‌جنسیتی و ایجاد فضای خانوادگی به منظور استفاده خانوادگی ورزش‌دوست به عنوان تفریحی جمعی می‌تواند بخشی از بحران «ادبیات زشت حاکم بر ورزشگاه‌ها» را برطرف سازد و محیط را به هر چه سالم‌تر شدن سوق دهد.

**ج) طراحی محیطی دوستدار بانوان:** یکی دیگر از معضلات حضور بانوان در ورزشگاه‌ها، تدارک نداشتن زیرساخت‌های بهداشتی - امنیتی متناسب با جنسیت زنانه است. در دنیای امروز موضوع طراحی محیطی متناسب با نیازهای جنسیتی از جمله موضوعات مهمی است که هم در محیط‌های رسمی و هم غیررسمی بدان توجه ویژه‌ای می‌شود. دسترسی به تجهیزات بهداشتی ویژه بانوان، بهره‌مندی از اتاق‌های مخصوص مادر-کودک و... از جمله نکات مهمی

است که در طراحی محیط ورزشگاهی دوستدار بانوان باید بدان توجه نمود.

**د) تأمین امنیت:** از عمده معضلات حضور بانوان در ورزشگاه‌ها به ویژه هنگامی که از حضور جمعی یا همراهی محارم خود در این محیط‌ها برخوردار نیستند می‌توان به آزردهنگی ذهنی، جسمی و جنسیتی اشاره کرد. متأسفانه ورزشگاه‌ها محل حضور برخی از افرادی است که از رفتارهای ناهنجار، بدرفتاری، آزار و خشونت علیه نوامیس ابایی ندارند. این رفتارها از بکارگیری الفاظ رکیک و سایر آزارها کلامی به بانوان را در برمی‌گیرد تا مزاحمت‌های جسمی که منجر به خشونت علیه زنان می‌شود. این رفتارهای خشونت‌آمیز را نیز باید با مجموعه‌ای از تدابیر حل و فصل نمود؛ مثل تهیید ورودی‌ها و خروجی‌های مجرزا از آقایان به منظور تأمین امنیت فیزیکی بانوان، نظارت مستمر بر راهروها و دالان‌های ورزشگاهی از سوی نیروهای تأمین نظم و امنیت، محروم کردن افراد مزاحم و بدزبان از حضور در ورزشگاه با ثبت شماره ملی فرد خاطی و مجرم و... .

حضور بانوان در ورزشگاه، آنچنان که می‌نماید بزرگ و پیچیده نیست؛ به شرط آنکه مسئولین امر ابتدا خود را از سردرگمی در حوزه سیاست‌گذاری نجات بخشند. آنچه می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را از فشارهای بین‌المللی رهایی بخشیده و حتی در گامی فراتر، الگوی ایرانی - اسلامی حضور زنان در ورزشگاه‌ها را به جهان صادر کند؛ اهتمام به طراحی و ایجاد فضاهای خانواده‌محور و متناسب با نیازهای زنان - مادرانه در اماکنی (ورزشگاه‌ها) این چنین است. محیط‌هایی که همه افراد ملت در کمال امنیت و آسایش از آن استفاده نموده و از حقوق اجتماعی - فرهنگی خود متناسب با شأن و کرامت انسانی خویش بهره‌مند باشند.

## تحریم‌های ظالمانه غرب و وظیفه ما



دکتر علی فهیم دانش  
 مدیرکل سابق امور بین‌الملل سازمان صداوسیما

اخیراً بریتانیا به بهانه‌ای واهی و بی‌اساس اقدام به اعمال تحریم‌هایی علیه برخی مقامات جمهوری اسلامی ایران و نهادهای ایرانی نموده و کاندایی‌ها نیز به تبع آنسان بخش عمده‌ای از تحریم‌های خود را به رسانه‌ها و اهالی قلم ایرانی و پاسداران انقلاب اسلامی در سپاه اختصاص داده و نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر و ناامن سازی منطقه را بهانه و دلیل این اقدامات اعلام کرده‌اند. در واکنش به این سلسله اقدامات دولت‌های غربی، وزارت امور خارجه کشورمان با احضار سفیر انگلیس مراتب اعتراض شدید را به لندن اعلام کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان نیز تحریم‌های کانادا نسبت به خبرگزاری‌های تنسیم، فارس، روزنامه‌کیهان و مدیر مسئول آن و همچنین رؤسای حاضر و اسبق سازمان صدا و سیما و نوریوز را محکوم کرد. بنابر مواضع متخذه مقامات رسمی کشورمان، تحریم‌های مذکور، مداخله در امور داخلی ایران و اقدام مداخله‌جویانه بوده و نقض بخشی از حقوق اساسی ملت ایران در رساندن صدا و نظر خود به جهانیان است. همچنین گویای پوچ بودن شعار غرب در خصوص دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی بیان است و توسل به زور و تحریم برای شنیده نشدن صدای دیگران، توسط کشوری که ادعاهای حقوق بشری‌اش گوش دنیا را کر کرده، برای شنیده نشدن صدای دیگران به حساب می‌آید. نهایتاً نیز وزارت امور خارجه براساس مصوبات موجود، در چارچوب قواعد حقوقی مرتبط و سازوکارهای تحریمی مربوطه و به عنوان عمل متقابل، تعدادی از نهادهای اشخاص بریتانیایی را به دلیل اقدامات عامدانه آنان در حمایت از تروریسم و گروه‌های تروریستی، ترویج و تحریک به تروریسم، خشونت و نفرت پراکنی و نقض حقوق بشر تحریم نمود. فعالیت‌های این اشخاص حقیقی و حقوقی، منجر به اغتشاش، خشونت و اقدامات تروریستی علیه ملت ایران شده است. تهران، خودداری بریتانیا در مقابله با اقدامات این اشخاص و حمایت و تسهیل اقدامات آنان را در چارچوب تعهدات آن دولت، نقض فاحش تعهدات بین‌المللی بریتانیا دانسته و لندن

را در قبال حمایت از تروریست‌ها و ناقضان حقوق بشر که از خاک این کشور به سلازماندهی و تحریک اغتشاشات و اقدامات تروریستی در ایران مبادرت می‌ورزند، مسئول و پاسخگو دانسته و این اقدام تحریمی، نافی پیگیری کیفری افراد به سبب دست داشتن در اقدامات مجرمانه در محاکم قانونی دارای صلاحیت نخواهد بود. تحریم‌های اعمالی شامل ممنوعیت صدور روایید و عدم امکان ورود اشخاص فوق به خاک کشورهایی است که اعلام تحریم نموده‌اند و توقیف اموال و دارایی آنان در قلمرو تحت صلاحیت آن کشور و انسداد حساب‌های بانکی و دارایی‌های آنان در نظام مالی و بانکی آن دولت‌ها می‌باشد. اعمال دولت‌های غربی در زمینه اعمال تحریم‌های موصوف دارای ماهیت اقدامات یک‌جانبه می‌باشد و البته مشروعیت و قانونی بودن آنها را باید در واکاوی حقوق بین‌الملل جستجو نمود. بنابر قواعد کلی، اقدامات یک‌جانبه دولت‌ها اگر در چارچوب حقوق بین‌الملل و مفاهیم و قواعد حقوقی نباشند، دارای هیچ اثری نخواهد بود و چه بسا با نقض تعهدات حقوقی دولت مربوطه، موجبات مسئولیت بین‌المللی آن کشور نیز فراهم خواهد شد. بنابر هنجارهای موجود، رسانه در پرتو قواعد حمایتی آزادی بیان تنها در موارد خاص و محدودی میباید مورد قوانین محدودیتی واقع شود. اظهارات مشوق عداوت و تنفر، محتوای مروج خشونت و نفرت پراکنند علیه افسراد یا گروه‌ها (سن، طبقه، ناتوانی، قومیت، هویت جنسیتی، ملیت، نژاد، وضعیت مهاجرتی، دین، جنس/جنسیت، گرایش جنسی، فرد قربانی رویداد خشونت‌آمیز وخیم و اعضای خانواده‌اش و خدمت نظامی) از آن جمله است. این بدان معنی است که به محتوایی که افراد یا گروه‌هایی با این مشخصه‌ها را از خصوصیات انسانی محروم می‌کند و یا اعدا می‌شود که از لحاظ فیزیکی و روحی دود پایه هستند یا خشونت علیه آنها را تحسین یا ستایش می‌کند، نباید اجازه انتشار داده شود. همچنین استفاده از کلیشه‌هایی که تحریک به نفرت را براساس این مشخصه‌ها یا تحقیر نژادی، قومیتی، مذهبی یا موارد دیگر برمی‌انگیزند یا ترویج می‌دهند (درجایی که هدف اصلی ترویج تنفر است) نیز اجازه انتشار نخواهند یافت. محتوایی که ادعا می‌کند گروهی بر افرادی یا یکی از مشخصه‌های ذکرشده در بالا برتری دارند تا خشونت، تبعیض، جداسازی و محروم‌سازی را توجیه کند ممنوع است. همچنین محتوایی که منکر وقوع رویداد خشونت‌آمیز مستند می‌شود نیز اجازه انتشار نخواهد داشت. محتوای تحسین‌کننده و ستایش‌کننده تروریسم یا چهره‌ها یا سازمان‌های مجرم براساس خط‌مشی ضد جنایتکار خشن و سازمان‌های تروریستی مورد قبول دولت محل فعالیت رسانه و یا فهرست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی لازم‌الاجتناب، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدیهی است که هزینه‌نگاری، تحریک به خشونت و آزار و اذیت نیز مجاز نیست. در تمهه مباحث مطروحه، به نظر می‌رسد، تولید ادبیات حقوقی درکشورمان در زمینه تحریم‌ها و موارد حقوق بشری یکی از اولویت‌های بخش‌های حقوقی در دولت و مراکز علمی است، تا زمانی که وضعیت حقوق بشری کشورمان در نهادهای بین‌المللی همچون شورای حقوق بشر و کمیته سوم مجمع عمومی مورد بررسی و توجه ویژه قرار دارد و گزارشگر ویژه درخصوص آن منصوب و فعال است، باید در کنار تولید ادبیات بومی، در زمینه فعالیت‌های دوجانبه و چندجانبه و بلوک‌سازی با دول همسوز و بهره‌برداری از فرصت‌های بین‌المللی هر چند اندک و با صعوبت، طراحی و برنامه‌ریزی دقیق نمود. در این میان اعلام مواضع رسمی که با مذاقه و گزینش و دقت وافر صورت می‌پذیرد، می‌تواند به تولید این ادبیات و مستندسازی‌های مربوطه مساعدت شایگانی نماید. بدیهی است برای طرح مسئولیت دولت‌های غربی، ضرورت دارد درباره اینکه تحریم‌های دول غربی به چه میزان در کارایی نیروهای مجری قانون در کنترل آشوب‌ها، اغتشاشات و اقدامات تروریستی مذکور تأثیر داشته، ارزیابی دقیقی صورت پذیرد. همچنین خسارات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از این تأثیر احتمالی بر حوزه‌های مربوطه داخلی و خارجی.

مستندسازی اقدامات تروریستی مورد اشاره و رابطه بین افراد تحریم شده و این اقدامات خصوصاً با توجه به موارد مطروحه ناظر بر حمایت از تروریسم و گروه‌های تروریستی تحریک به تروریسم می‌باید خصوصاً با عنایت به چارچوب‌های حقوقی و قضایی موجود در کشورمان، مورد توجه باشد، تا امکان طرح موضوع هم درباره مسئولیت دولت و هم مسئولیت کیفری افراد و اشخاص فراهم گردد. در این میان پایش رسانه‌های مورد تحریم فعال در بریتانیا، که در موارد متعدد اقدام به ترویج و تحریک خشونت و آشوب و نفرت پراکنی گسترده نموده‌اند، ضرورتی مهم است. ضمن مستند سازی موارد مورد اشاره که دولت اتاوا اقدام به اعمال زور نموده، برای بهره‌برداری حقوقی و سیاسی مقتضی ضرورت دارد میزان تأثیر تحریم‌ها بر فعالیت‌های رسانه‌ها و اهل قلم کشورمان و کارایی آن‌ها در قبل و بعد از این قوانین تحریمی، اولاً در فضای رسانه‌ای و جو روانی کشور و اذهان مخاطبان داخلی و ثانیاً خسارات این تحریم‌ها در تصویرسازی منفی و تسلط جریان غالب رسانه‌های سلطه در نزد افکار عمومی خارجی مورد بررسی جدی قرار گیرد.

## به سوی فهم فناوری نرم؟

### فناوری نرم حقوقی



دکتر مهدی حفیظپور

دانشیار گروه علوم تصمیم و سیستم‌های پیچیده دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام دبیر کارگروه نخبگان مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

مدیر اندیشکده فناوری نرم دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

جهان حال و آینده، جهان فرهنگی و به تعبیری جهان نرم است و قدرت حقیقی کشورها درسایه قدرت نرم برآمده از برتری در رقابت‌های فرهنگی در بستر صنعت فرهنگی می‌باشد. نظام حقوقی هر کشور به مثابه قطعه مهم و بنیادین نظام حکمرانی آن کشور در سیر تاریخی خود تطورات و تغییرات جدی را تجربه کرده تا خود را با اقتضانات و ظرفیت‌های جدید همراهم نموده و از فرصت‌های نوین در دسترس، بیشترین بهره را ببرد. یکی از موضوعات مهم ذیل کلان موضوع فناوری‌های نرم، فناوری نرم حقوقی یا لگال تک (LegalTech) و صنایع نرم وابسته به آن می‌باشد که نقشی بنیادین و پشتیبان در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و فناوری محور دارد که از آن به صنایع نرم خدمات حقوقی تعبیر می‌شود. فناوری نرم حقوقی یکی از مهم‌ترین تحولاتی است که نظام‌های حقوقی دنیا با هدف تحقق مأموریت‌های خود از جمله تضمین حقوق عامه از آن بهره جسته‌اند. در تعریفی عمومی از فناوری نرم حقوقی گفته می‌شود که هر ابزار یا روشی که انسان یا مؤسسه حقوقی یا دولت یا نظام قضایی به کار می‌گیرد تا مسائل و نیازهای حقوقی را برطرف کند. به تعبیر امروزی، فناوری نرم خدمات حقوقی به استفاده از فناوری بخصوص نرم افزارهای کاربردی برای ارائه خدمات حقوقی گفته می‌شود. صنعت نرم خدمات حقوقی در دنیا یک در ابزار و فناوری‌ها وارد مرحله تحولی عمیق در هوشمندسازی بسیاری از خدمات حقوقی و قضایی شده است. رایانه‌ای یا دیجیتال شدن صنعت نرم خدمات حقوقی باعث شده تا یک زیست‌بوم تخصصی جدیدی از صاحبان ایده، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران، حقوقدانان و وکلا، محققان و مدیران خلاق در این حوزه شکل بگیرد که بر تحول شگرف این صنعت تمرکز داشته باشند. تحولی که بی‌شک مانند سایر حوزه‌ها، انحصار را از دست خدمت‌دهندگان سنتی آن خواهد گرفت و تخریبی خلاق رقم خواهد زد. طبقه‌بندی‌هایی از فناوری نرم حقوقی وجود دارد از جمله: شبکه ارتباطی وکلا، اتوماسیون مدارک، مدیریت کار(مدیریت پرونده‌ها و مطالبات حقوقی)، جستجوهای حقوقی، تجزیه و تحلیل‌های آینده‌نگر و داده‌کاوی‌های حقوقی، کشف‌های الکترونیکی، حل و فصل اختلافات به صورت آنلاین، فناوری حفاظت از اطلاعات و آرمایشگاه فناوری نرم حقوقی. در مورد آرمایشگاه فناوری نرم حقوقی یا The Legal Technology ادامه در صفحه ۷

Laboratory (به اختصار Legal Tech Lab)، شاید عنوان آزمایشگاه بدین جهت باشد که قرار است ایده‌های نوآورانه و خلاقانه در این برنامه، برای اجرایی‌سازی، طرح شده و با کمک افراد حاضر در آن پیاده‌سازی، آزمودن و ارزیابی گردند. هدف این آزمایشگاه، ایجاد آگاهی ملی و جهانی درباره چشم‌اندازها و قابلیت‌های فناوری‌های نرم حقوقی برای اساتید، دانشجویان و محققان رشته‌های حقوق، کارآفرینان، مهندسان، مؤسسات و سایر افراد ذینفع است. فرهنگ آزمایشگاه فناوری نرم حقوقی (LTL) بر پایه ایجاد گفتگو است؛ گفتگو و مواجهه متخصصان حقوق با محققان، دانشجویان، کارآفرینان و فناوران رشته‌های دیگر برای هم‌افزایی و خلقت راه حل‌های نوآورانه و فناورانه. در واقع دیجیتال شدن حقوق، هدف اصلی ذینفعان و مشارکت‌کنندگان این برنامه است. در دنیای دیجیتال شده حقوق، دیگر از منازعه و مجادله حقوقی خبری نیست. در این آزمایشگاه را بر مشتری و کسی که نیاز به خدمات دارد می‌گذارند و کمتر دغدغه مسائل عمومی از جنس وظایف دستگاه‌های عمومی و قضایی را دارند. عمده تلاش‌های مجموعه‌های این چنینی بر خلق ابزارها و خدمات در قالب شرکت‌های نوپا و شرکت‌هایی است که علاوه بر ارائه خدمات و تسهیل زندگی افراد در امور حقوقی، امکان تداوم فعالیت هم دارند و به اصطلاح بر مدل اقتصادی متکی شده‌اند و نه رسالت دولتی یا عام‌المنفعه. از مهمترین و اصلی‌ترین فعالیت‌های آزمایشگاه‌ها، برگزاری رویدادهای دوره‌ای با حضور افراد ذینفع از حوزه‌های مختلف است؛ اساتید دانشگاه، دانشجویان، کارآفرینان، طراحان، افراد شاغل در شرکت‌ها و مؤسسات مشاوره و خدمات حقوقی، دستگاه‌های دولتی، سرمایه‌گذاران و سایر اقساط مرتبط. حضور این افراد در کنار یکدیگر به تنقیح صورت مسائل، فهم صحیح آنها و ارائه راه‌حل‌های فناورانه کمک بسیاری خواهد کرد. شرکت‌های فناوری نرم حقوقی به شرکت‌های نوپایی گفته می‌شود که با هدف تخریب بازار موجود و محافظه کار خدمات حقوقی، پایه‌گذاری شده‌اند. فناوری‌های نرم حقوقی کاربردهای گوناگونی در مشاوره و وکالت، مستندسازی و ذخیره داده‌ها، استنباط هوشمند و گردآوری مدارک الکترونیکی، مدیریت پرونده‌ها و غیره دارد. امروزه مستندات و شواهد مختلف الکترونیکی از قبیل مکاتبات الکترونیکی، تراکنش‌های مالی بانکی و ارزهای دیجیتال، داده‌های مختلف و جرائم فضای مجازی و امثال آن لزوم نوآوری‌های حقوقی را حتی برای کوتاه مدت غیرقابل انکار می‌کند. البته همواره باید در نظر داشت که صنعت نرم حقوقی همچنان نیازمند تفسیرهای خلاقانه، شهود انسانی درباره انصاف و عدالت، مسئله معقولیت و مصالحه است. مسائلی پیچیده که هنوز از عهده فناوری خارج است. بخاطر همین تا کنون کامل انسان از این خدمات و کارهای مبتنی بر مدل‌های ذهنی انسانی فاصله زیادی داریم ولی شرکت‌های فناورانه و نوپا در زیست بوم صنعت نرم حقوقی می‌توانند در بهره‌رتر کردن گردش کار خدمات حقوقی توفیقاتی داشته باشند و مؤسسات حقوقی برای مشتریان‌شان ارزش پیشنهادی و ال‌انتری به ارمغان آورند. فناوری نرم حقوقی با ایجاد بستری برای ارتقاء آگاهی مردم از حقوق خود، جمع‌سپاری امور حاکمیتی و مشارکت مردم در حوزه‌های مختلف از جمله نظارت و تقنین، علاوه بر افزایش سرمایه اجتماعی حاکمیت و اعتماد مردمی، ضمانت اجرایی فرافوقی و به مراتب قوی‌تر در راستای تضمین حقوق عامه ایجاد می‌نماید. گرچه نظام حقوقی ایران علی‌رغم عمر بیش از چهار دهه‌ای فناوری نرم حقوقی، در ابتدای مسیر آن ایستاده و بهره‌گیری درست و کارآمد از این فرصت، مستلزم مواجهه درست و حرفه‌ای همراه با شناخت کامل از ابعاد این نوع از صنایع نرم برآمده از فناوری‌های نرم و هویت‌ساز می‌باشد.



### ویژگی‌های یک نماینده تمام عیار مجلس از منظر شهید مدرس

سرآب سیدمحمدعلی پوربخش

دوران نمایندگی مدرس در مجلس را می‌توان سیاسی‌ترین دوران زندگانی وی قلمداد کرد. مدرس در پنج دوره نمایندگی خود، عرصه‌های نوینی در سیاست‌مداری و سیاست‌گذاری ایران خلقت کرد که برگرفته از شخصیت خودساخته او بود. مؤلفه‌های شخصیتی شهید مدرس به شرح زیر، ابعاد برجسته‌ای از الگوی یک نماینده مطلوب را به منصفه ظهور می‌رساند:

#### ۱- مردم‌داری

یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های مدرس در کسوت نمایندگی، اهمیت به نقش و جایگاه مردم بود. مدرس همواره تصریح می‌کرد: «ما ولی نیستیم، وکیل هستیم و باید نظر موکلین خود را بدانیم...» و از همین رو در حوادث سیاسی اجتماعی، مردم را دخیل و شریک می‌دانست.

#### ۲- دشمن شناسی

از ویژگی‌های مدرس، دشمن شناسی عمیق و روحیه مقاومت و ایستادگی او در برابر بیگانگان است. وی موقعی با انگلستان دست و پنجه نرم کرد که انگلستان، فرمانروای جهان بود. در آن زمان با قرارداد ۱۹۱۹ بریتانیا مخالفت کرد، کار آسانی نبود اما سید بزرگوار مخالفت کرد و موفق شد. مدرس تصریح می‌کند: «این قرارداد می‌خواهد استقلال مالی و نظامی ما را از دستمان بگیرد، چون اگر بنا باشد ایران مستقل بماند، هر چیزش باید دست ایرانی باشد. حالش، مالش، حیثیتش، چه‌اش، چه‌اش، همه چیزش باید دست ایرانی باشد.»

#### ۳- استبدادستیزی

مخالفت‌های مدرس با حاکمان ظالم و مستبدان زمانه، بارزترین نمونه‌های استبدادستیزی او بود. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «تاریخ مثل مرحوم مدرس را دید... که یک همچو آدمی در مقابل آن قلدزی [رضاخان] که هرکس آن وقت را درک کرده، میدانند... در مقابل او هم چه ایستاد. در مجلس یک وقت گفته بود: سید! چسی از جان من می‌خواوی؟ [مدرس] گفته بود: می‌خواهم که تو نباشی.»

#### ۴- ایستادگی در برابر تهدید و تطمیع

بی‌شک مواضع و مبارزات مدرس به ویژه در دوران نمایندگی مجلس، مرمون مناعت طبع درونی اوست که در مقابل هرگونه تهدید یا تطمیع مقاوم بود. امام خمینی (ره) درباره ناکامی رضاخان در تطمیع و تهدید مدرس می‌فرماید: «او [رضاخان] با مرحوم مدرس روزگاری گذرانند و فهمید که با هیچ چیز نمیتوان او را قانع کرد؛ نه با تطمیع، نه با تهدید.»

#### ۵- ساده‌زیستی

رُهد و ساده‌زیستی مدرس زبازد خاص و عام بود بطوری‌که همه او را با همان لباس‌های کرباسی که داشت، می‌شناختند. مدرس می‌گوید: «شخصیت انسان به لباس نیست؛ به فهم و درک و اندیشه اوست.» مدرس از همان ابتدای امر، ساده‌زیستی را یکی از خصوصیات نماینده مجلس می‌داند. میلیسپو (مستشار مالی آمریکا در ایران) می‌نویسد: «... شهرت مدرس، بیشتر در این است که برای پول ارزشی قائل نیست. او مردی است فاضل. در ملاقات با او محال است کسی تحت تأثیر سادگی و هوش و قدرت رهبری او قرار نگیرد...»

#### ۶- استقلال شخصیتی

استقلال شخصیتی نماینده مجلس، یکی از وجوه ممتاز هر وکیلی در خانه ملت محسوب می‌شود. به حقیقت، مدرس در بالاترین درجه آزادی و استقلال شخصیتی قرار داشت. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «روحانیت شیعه، مستقل است؛ انکا به هیچکس ندارد. بیایید، بگویند کی مستقل است؟ این‌ها مستقل‌اند، از این‌ها آدم در می‌آید، از این‌ها مدرس بیرون می‌آید، از این‌ها سید حسن مدرس در می‌آید.» بنابراین یک نماینده مطلوب مجلس بایستی دارای ویژگی‌های فوق باشد.



### مسئولیت مدنی دولت و شهرداری در واقع‌ریش ساختمان متروپل

در حادثه متروپل چه فردی یا افرادی مسئولیت مدنی دارند و در مقابل زیان‌دیدگان و قربانیان ضامن می‌باشند؟

احمدرضا موسوی مصباح‌الشریعه

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

پاسخ به این پرسش در حیطه حقوق خصوصی و مبحث مسئولیت مدنی فارغ از مسئولیت کیفری که ممکن است برای مالک ساختمان یا شهرداری بدلیل اهمال و سهل‌انگاری در صدور مجوز فعالیت ساختمان متروپل و یا در عدم مانعیت از فعالیت آن قابل تصور است؛ داده می‌شود.

جهت پاسخ دقیق‌تر به این پرسش که در واقع در حقوق مسئولیت مدنی تحت عنوان «مسئولیت ناشی از بنا و ساختمان» مطرح می‌گردد؛ مسئولیت داشتن افسراد مختلف حقیقی و حقوقی دخیل در واقع مورد بررسی قرار می‌گیرد:

#### ۱- مالک و متولی ساختمان

مطابق ماده ۳۳۳ قانون مدنی: «صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می‌شود مشروط بر این که خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده یا از عدم مواظبت او تولید شده است.» مطابق این ماده صاحب عمارت متروپل ضامن است چون بنا بر اخبار منتشر شده بارها به ایشان تذکر مبنی بر احتمال ریزش ساختمان داده شده بود و مطابق ماده مالک مطلع از آن بوده است و علی‌رغم آن مانع حضور مردم در آن نشده است. همچنین وجود ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رافع ضمان و مسئولیت مدنی مالک نیست چون در این ماده آمده است که: «اگر مالک یا کسی که عهده‌دار احداث ملکی است بنایی را به نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن نیست.» بنابراین عدم ضمان مالک در این ماده اختصاص به مواردی دارد که بصورت اتفاقی و ناگهانی بنا و ساختمان موجب آسیب و خسارت شود حال آنکه باز مطابق اخبار منتشره مالک متروپل از وخامت وضعیت ساختمان خود آگاه بوده و اقدامی جهت جلوگیری از ورود مردم به این ملک تجاری نموده است.

مستند قانونی دیگری که برای ضامن دانستن مالک و متولی ساختمان متروپل وجود دارد ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است که می‌گوید: «هرگاه دیوار یا بنایی که بر پایه استوار و غیرمتماثل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد اگر قبل از آنکه مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضامن منتفی است مشروط به آنکه به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد. چنانچه مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه‌سازی و جلوگیری از وقوع آسیب، سهل‌انگاری نماید، ضامن است. تبصره - هرگاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به صغیر یا مجنون باشد ولی او ضامن است و اگر بنای مذکور از بناهای عمومی و دولتی باشد، متولی و مسئول آن ضامن است.» مطابق این ماده مالک و متولی ساختمان متروپل که با اعلام کارشناسان و مهندسان از احتمال خرابی و ریزش آن مطلع بوده، وظیفه تحذیر و هشدار مردم را برای عدم ورود به ساختمان متروپل داشته است و به این وظیفه قانونی عمل نموده و چون این ساختمان ملک تجاری عمومی بوده است، مشمول قسمت اخیر تبصره ماده ۵۱۹ شده و ضمان متوجه متولی و مسئول ساختمان می‌باشد.

۲- مهندس ناظری که اجازه استفاده و بهره‌برداری از متروپل را صادر نموده است  
براساس تبصره ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «اگر عمل غیرمجاز به گونه‌ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آنکه مستند به مهندسان ذریبط ساختمان باشد ضامن از مالک منتفی و کسی که عمل مذکور مستند به اوست

ضامن است.»

مطابق این تبصره اگر ساختمان متروپل از زمانی که احداث شده دچار نقص و ایراد بوده و از ابتدا نباید اجازه بهره‌برداری و استفاده عموم از آن صادر می‌شده است، در این صورت می‌توان مسئولیت را متوجه مهندس یا مهندسین ناظری نمود که بر احداث و تکمیل ساختمان متروپل نظارت داشته‌اند. بدیهی است مسئولیت این افراد مانع از مسئولیت مالک و متولی آگاه از عیوب و ایرادات متروپل نمی‌گردد. ۳- شهرداری که گواهی پایان کار و امکان بهره‌برداری از متروپل را صادر نموده است مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هر گاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است.» مطابق این ماده چنانچه کارمند شهرداری آبادان که گواهی پایان کار متروپل و امکان بهره‌برداری از این ملک تجاری را صادر نموده مرتکب تقصیر شخصی در صدور گواهی این ساختمان خطرناک شده باشد، خودش ضامن است و چنانچه بدلیل نقص وسائل و تجهیزات شهرداری این مجوز صادره شده باشد و تقصیر از نوع تقصیر اداری بوده و متوجه شخص حقیقی نشود بلکه متوجه شخص حقوقی شهرداری آبادان باشد در این صورت شهرداری نسبت به خسارت وارده ضامن و مسئولیت مدنی دارد.

باید توجه داشت که تفکیک میان تقصیر شخصی و تقصیر اداری در ماده ۱۱ نباید منجر به عدم مسئولیت شهرداری که یک شخص حقوق عمومی است، بشود و روابط داخلی شهرداری و کارمندان، اصولاً نباید اشخاص ثالث زیان‌دیده را متأثر کند. به دیگر سخن، ممکن است تقصیر اداری در سلسله مراتب خود، معلول کوتاهی کارمندان یا برخی از مدیران و مسؤولان در ساختار بندی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یا نظارت بر امور باشد؛ در این صورت، چون کارمند و رئیس مربوطه یک عضو شهرداری به شمار می‌آیند و به عنوان عضو عمل میکنند و تقصیر وی در حقیقت تقصیر شهرداری است، لذا شهرداری مسؤول جبران زیان است و در حقیقت مسئولیت شهرداری مسؤولیت ناشی از فعل غیر (یعنی رئیس مربوطه) نیست، بلکه مسئولیت ناشی از تقصیر خود شهرداری است.

#### ۴- پیمانکار احداث‌کننده متروپل

شخص دیگری که می‌تواند در حادثه مذکور برای آن مسئولیت مدنی در نظر گرفت؛ پیمانکار و احداث‌کننده این ساختمان است که در صورت اهمال و کوتاهی و تقصیر در در هنگام احداث ساختمان و در صورت عدم رعایت نکات ایمنی و ملاحظات فنی و مهندسی در زمان احداث متروپل، به عنوان یک سبب در کنار سایر اسباب در مسئولیت مدنی ناشی از خسارات وارده از ناحیه این ساختمان سهیم می‌باشد.

کوتاه سخن اینکه در فرض بیمه نبودن ساختمان متروپل و عدم امکان مراجعه قربانیان و زیان‌دیدگان حادثه به بیمه، برای اشخاص حقیقی و حقوقی ذکر شده مسئولیت مدنی وجود دارد و چون مسئولیت تضامنی برخلاف اصل است و اصل بر مسئولیت نسبی است، از جهت تسهیل در جبران خسارت زیان‌دیدگان و قربانیان می‌توان به آن‌ها اختیار داد که یا به شهرداری آبادان بدلیل تقصیر در صدور مجوز بهره‌برداری و پایان کار یک مکان عمومی تجاری مراجعه نمایند چرا که براساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ شهرداری ضامن کلیه خسارات قلمداد می‌گردد و یا قربانیان و بازماندگان اختیار مراجعه مسئول و متولی ساختمان را براساس ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ داشته باشند. پس از پرداخت کلیه خسارات زیان‌دیدگان توسط شهرداری یا مالک و متولی ساختمان، حق مراجعه به سایر اسباب دخیل در واقع (به نسبت

سهمی که در بروز زیان های جانی و مالی داشته‌اند) برای شهرداری یا مالک و متولی محفوظ است. باید توجه داشت در وقایعی مانند حادثه متروپل که ساختمان متعلق به دولت نبوده و دولت نقشی در احداث و نظارت بر آن نداشته است نمی‌توان ضمان و مسئولیت مدنی را متوجه دولت نمود و اگر هم پرداخت دیه و جبران خسارت به بازماندگان از ناحیه دولت صورت گیرد این قبیل پرداخت‌ها نباید از باب مسئولیت مدنی دولت تلقی شود بلکه دولت در این موارد صرفاً جهت حفظ آرامش شهروندان و فرونشاندن التهاب ناشی از واقعه و جهت افزایش رضایت مندی مردم و توجه به حقوق شهروندی اقدام مینماید و در صورت پرداخت هرگونه خسارت از ناحیه دولت به زیان‌دیدگان، حق مراجعه دولت به اسباب دارای تقصیر دخیل در حادثه و در بروز خسارت محفوظ است.

### کاستی در حفاظت از حقوق مردم در مقابل حوادث غیرمترقبه



حمیدرضا محبی کیا  
پژوهشگر اندیشه حقوق بشر و شهروندی

وقوع حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله در دنیا امری طبیعی و در عین حال قابل پیشگیری و یا کنترل با کمترین خسارات احتمالی می‌باشد. در وقوع سیل اخیر و ورود هنگفت خسارات جانی و مالی، عواملی چند از عوامل اصلی این خسارات می‌باشند:

### بررسی مقصرین ورود خسارات هنگفت سیل اخیر

به موجب بند «ز» تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۱، سازمان‌های و لایروبی رودخانه‌ها، تالاب‌ها و سد‌ها بر عهده وزارت نیرو می‌باشند که می‌بایست هر ۳ ماه گزارش عملکرد خود را به سازمان‌های مدیریت بحران کشور، برنامه و بودجه کشور، کمیسیون کشاورزی و آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی و دیوان محاسبات تقدیم نماید. به توجه به این وظیفه قانونی یکی از علل اصلی خسارات هنگفت وارد، سهل‌انگاری در لایروبی به موقع بوده است. مازاد بر این باتوجه به اینکه سازمان هوشناسی کشور اخبار لازم مبتنی بر احتمال وقوع سیل را از قبل داده ولی وزارت نیرو اعتنایی نداشته و اصرار بر سهل‌انگاری داشته و در نتیجه وظایف قانونی خود را انجام نداده است.

تخلّف بارز دیگر در این حادثه، تخلّف سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد که از وظیفه اصلی خود که نظارت بر حسن جریان امور، اجرای صحیح و به موقع قوانین در دستگاه‌های اداری کشور می‌باشد نیز عدول کرده و با متخلّفین وزارت نیرو برخوردی نداشته است. لذا سازمان بازرسی کل کشور باتوجه به عدم ایفای وظیفه قانونی خود، عدم تذکر و پیشگیری از تخلّف و عدم اعلام به مراجع قضایی ذیربط، به نقض صریح ماده ۲ «دستورالعمل نحوه مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران و کارمندان و پیشگیری از آن» پرداخته است.

طبق ماده ۲ دستورالعمل «نظارت و پیگیری حقوق عامه»، دادستان هر حوزه قضایی مکلف است در صورت عدم اجرا یا نقض حقوق عامه یا قریب‌الوقوع بودن آن، تدابیر پیشگیرانه، تذکر و یا تعقیب کیفری متهمین را در پیش بگیرد و در صورت عدم حصول نتیجه مراتب را به دادستانی کل و یا دستگاه‌های نظارتی ذی‌ربط اعلام دارد.

دادستانی مناطق سیل زده نیز با توجه به عدم تعقیب موضوع و جمع‌آوری ادله و پیگیری قصورات اشخاصی همچون وزارت نیرو، سازمان بازرسی کل کشور و سازمان مدیریت بحران کشور، خود نیز طبق ماده ۳ دستورالعمل صدرالذکر دچار سرپیچی از قانون و تخلّف شده است.

وزارت نیرو نه تنها خلاف نص ماده ۹۰ «قانون مدیریت خدمات کشوری» وظایف قانونی خود را با دقت و به موقع انجام نداده، بلکه طبق تبصره ۱ ماده ۹۱ قانون اخیرالذکر، نظارت صحیحی نیز بر انجام وظایف مسئولین این وزارتخانه نداشته است. باتوجه به ترک وظیفه قانونی مدیران و سهل‌انگاری

آنان در اجرای قانون و نظارت بر عملکرد صحیح کارمندان خود و عدم اعلام جرایم و تخلّفات ارتكابی در حوزه تحت تصدق خود، به موجب ماده ۹۲ قانون اخیرالذکر موجب مسئولیت قانونی آنان می‌باشند.

### لزوم جبران خسارات توسط دستگاه‌های اجرایی مقصر

باتوجه به سهل‌انگاری‌ها، عدم اجرای به موقع قوانین، عدم اعلام سرپیچی از اجرای به موقع قوانین و همچنین اینکه از علل اصلی ورود هنگفت خسارات مالی و جانی (که خانوارهای زیادی داغدار عزیزان خود شده‌اند و اعداد قربانیان این حادثه صرفاً یک عدد نیستند و خسارات معنوی زیادی نیز به هموطنان ما وارد گردیده که صرف بازدید کت‌شولاری مسئولین از مناطق خسارت‌زده موجب تسلی خاطر نمی‌گردد، بلکه اجرای به موقع قوانین و وظایف همان مسئولین تسلی تمامی هموطنان می‌بود، عدم رسیدگی و اجرای وظایف قانونی دستگاه‌های اجرایی بوده، لذا باتوجه به صراحت ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و مواد ۳۳۱ و ۳۳۲ قانون مدنی، مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند.

از دیوان عدالت اداری انتظار می‌رود که ترک فعل مدیران و دستگاه‌های اجرایی مقصر و خسارات وارده به اموال عمومی را طبق ماده ۴ دستورالعمل صدرالذکر، جهت اقدامات قانونی به دادستان کل کشور اعلام نماید. همچنین شایسته است که قوه قضائیه نیز در این موضوع باتوجه به وظیفه ذاتی خود در جهت احیاء، حفظ و صیانت از حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین، اقدامات شایسته را در اسرع وقت جهت مجازات متخلّفین و جبران خسارات مردم توسط دستگاه‌های اجرایی، انجام دهد.

همچنین از دادستانی محترم نیز انتظار می‌رود که طبق ماده ۳ دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه (در مواردی که در نتیجه ارتكاب جرم خسارت به اموال دولتی، حقوق عمومی یا تضییع آن وارد شده است، به تبع امر کیفری بدون پرداخت هزینه دادرسی، جبران آن را نیز از دادگاه بخواهد). به وظیفه صریح قانونی خود جامه عمل بپوشاند.

### خشونت سانسور شده

امیرحسین اقبالی

پژوهشگر اندیشه حقوق بشر و شهروندی

این روزها به وقت پاریس بیش از ۱۵۰ هزار معترض به خیابان‌ها ریختند و علیه تورم، وضعیت وخیم اقتصادی و کمبود انرژی شعار دادند و خواستار خروج کشورشان از جنگ اوکراین هستند اما جواب دولت مکررون، باتوم، اسپری فلفل، گاز اشک‌آور، ماشین آب‌پاش و سرکوب شدید بوده است و تصاویر و ویدئوهای منتشر شده از جنگ خیابانی بین پلیس و معترضان حکایت از آن داشت که به عنوان مدرک توانستند پای پلیس خشن این کشور را به محاکم قضایی بکشانند و محکوم کنند.

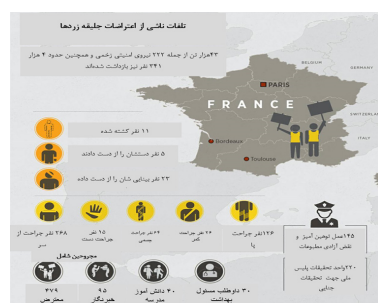
اعمال خشونت لفظی و فیزیکی، بخش جدایی‌ناپذیر عملکرد پلیس فرانسه است که سالانه افراد و معترضان زیادی را قربانی وحشی‌گری خود می‌کند. در واقع پلیس فرانسه با اصطلاح معروف «به نام قانون» تمام خشونت‌ها و توسل به ابزار سرکوب علیه مردم معترض را توجیه می‌کند و آن را قانونی جلوه می‌دهد. مدت مدیدی است کشوری که خود را مهد آزادی و دموکراسی مینامد به رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به شهروندان در رسانه‌های جهان مشهور است؛ گزارش برگزاری سالانه تظاهرات چند هزار نفری علیه نژادپرستی و خشونت پلیس در شهرهای مختلف فرانسه نیز گواهی بر همین مدعا است.

### پلیس فرانسه؛ در جایگاه قاضی

یکی از موارد حساسیت‌برانگیز که استفاده از سلاح را علیه افراد مجاز می‌کند، این است که پس از امتناع از رعایت قانون احتمال آن می‌رود که به جان یا تمامیت جسمانی خود یا دیگران آسیب برسانند و این واژه «احتمال» با توجه به آنچه در خطر است (زندگی یا مرگ)، بسیار نامشخص و بیش از حد

مشمول تفسیر فردی است و پلیسی که تیراندازی میکند، در حقیقت قاضی است که قضاوت می‌کند. جلیقه‌زدها؛ قربانیان اقتصاد شکننده و خشونت پلیس

در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸ برای نخستین بار زنان و مردان فرانسوی در سراسر این کشور در اعتراض به هزینه‌های بالای زندگی تجمع کردند؛ اعتراضاتی که با نام جهانی جلیقه‌زدها و چاشنی تلخ خشونت پلیس شناخته می‌شود. ماه‌ها اعتراض اجتماعی شدید علیه دولت امانوئل مکررون رئیس جمهور فرانسه، شخصیت بی‌سابقه‌ای به این جنبش اعتراضی بخشید و بارها و بارها تظاهرات آنها با خشونت پلیس فرانسه به شدت سرکوب شد. کارشناسان حوزه نظامی معتقدند که پلیس فرانسه علاوه بر سابقه طولانی خشونت در انجام مأموریت‌های خود، به سلاح‌های نامتعارف گرم و ال بی دی مجهز است و قانون دفاع از خود که در سال ۲۰۱۷ در چارچوب قانون امنیت عمومی در فرانسه تصویب شد؛ دست پلیس را برای استفاده آسان‌تر از چنین سلاح‌هایی باز گذاشته است.



### دانش‌آموزان در چنبره خشونت پلیس

برای تبیین خشونت سیستماتیک پلیس فرانسه نیازی نیست که به برخورد افسران پلیس این کشور در سرکوب جنبش‌های اجتماعی یا اعتراض‌های گسترده به شرایط سخت اقتصادی این کشور نگاهی بیندازیم؛ سرکوب و وحشیانه هواداران فوتبال یا حتی دانش‌آموزان دبیرستانی که نسبت به تعلیق معلم خود اعتراض داشته‌اند نیز برگزی از دفتر خشونت‌های پلیس این کشور است.



اما یک نکته بسیار مهم در این اختلاف سیاسی وجود دارد که در هیچ‌کدام از اعتراضات گذشته و حال فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی، تجزیه‌طلب‌ها فعال نشده‌اند. گروهک‌های تروریستی سلاح سرد و گرم به تظاهرات نمی‌آوردند، سفارتخانه‌های کشورهای خارجی در کنار رسانه‌های اپوزیسیون این کشورها به خط‌شده‌اند که مردم را برای بالا نگه‌داشتن آشوب‌ها تحریک کنند، هیچ پلیسی در این کشورها کشته یا سرسر بریده نشده و به مقر پلیس برای دسترسی به اسلحه حمله نشده است اما بازم پلیس اروپا چنان خشونت علیه معترضان به خرج می‌دهد که حقیقتاً کم‌نظیر است.

البته اروپا در تاریخ معاصر خود هیچ وقت مستقل نبوده و همیشه ترجیح داده به عنوان شخصیت دوم در برنامه آمریکا، فضای تحریم یا تندگویی علیه ایران را تکرار کند اما آنها اکنون در یک سیکل بی‌کفایتی و شرایط بحرانی هستند که هرچه را در برابر وضعیت ایران و لزوم رعایت حقوق بشر و شهروندی گفته بودند بیشتر به یک طنز تبدیل کرده است.

### خشونت سانسور شده

عزرا یابوریان

پژوهشگر اندیشه حقوق بشر و شهروندی



### مقدمه

انقلاب دیجیتال کلیه شئون زندگی بشر را دچار تحول نموده است، پدیده‌ای که آن را با عنوان تحول دیجیتال می‌شناسیم. یکی از مهم‌ترین شئون این تحول را می‌توانیم در قالب اقتصاد دیجیتال مشاهده

نماییم. یکی از قالب‌های مهم تحقق اقتصاد دیجیتال در کشور ما توجه به حوزه کسب و کارهای اینترنتی یا نوپاست. اشتغال در فضای مجازی با سرمایه‌گذاری کمتری نسبت به فضای واقعی ایجاد می‌شود و توجه به این حوزه می‌تواند در حل نسبی مشکل بیکاری هم در حد و اندازه خود مؤثر باشد.

### آمار و ارقام

با گذشت یک ماه از آغاز ناآرامی‌ها در کشور و اعمال محدودیت اینترنت و فیلتر دو شبکه اجتماعی بزرگ در ایران، خیرها از ادامه فیلتر واتس‌آپ و اینستاگرام (که از ۳۰ شهریور آغاز شده است) تا زمانی نامعلوم حکایت دارد. طبق گزارش سالانه تجارت الکترونیکی در ایران، ۸۰ درصد کسب و کارهای برخط از شبکه‌های اجتماعی و ۲۸ درصد آن‌ها از پیام‌رسان‌ها برای فعالیت خود استفاده می‌کنند. از این میان ۸۴ درصد آن‌ها از شبکه اجتماعی اینستاگرام بهره می‌برند. طبق گزارش‌های دیگر، از ۱۱ میلیون جمعیت شاغل در فضای مجازی، ۹ میلیون نفر جمعیت افراد شاغل در اینستاگرام است. همچنین ۸۴ درصد بازار اینترنتی ایران در قبضه این پلتفرم است که شامل ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار کسب و کار کوچک، ۲۰۰ هزار کسب و کار بزرگ و ۵۰۰ هزار کسب و کار بومی و استانی است.

وب‌سایت جهانی «نت بلاکس» مدعی شد که قطعی اینترنت در ایران ساعتی ۱/۵ میلیون دلار معادل ۴۵ میلیارد تومان زیان اقتصادی به ایران وارد میکند که این یعنی روزانه هزار میلیارد تومان به کسب و کارهای اینترنتی و اقتصاد کشورمان خسارت وارد می‌شود.

### خسارات مادی و غیرمادی

خسارتی که بسیاری از کسب و کارهای اینترنتی در جریان محدودیت اخیر اینترنت و فیلترینگ متحمل شدند، هم از منظر اقتصادی و هم از منظر حقوقی قابل بررسی است. این خسارات را نباید منحصر به خسارات مادی مستقیم تقلیل داد و شامل خسارات مادی غیرمستقیم و غیرمادی نیز می‌شود.

خسارات غیرمادی را میتوان در چند بخش بررسی کرد:

۱. تضییع حقوق عامه از جمله آزادی بیان، عقیده و افکار (اصل ۲۴ قانون اساسی)
۲. تضییع حق برخورداری از امنیت مالی و شغلی و حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان (ماده ۱۳ منشور حقوق شهروندی)
۳. تضییع حق حمایت حقوقی و قضایی از سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب و کار (بند ۲۶ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه)

۴. تضییع حق مالکیت و محترم بودن کسب و کار مشروع (اصل ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی)
۵. تضییع حق برخورداری از آموزش رایگان. با فیلتر شدن اینستاگرام و مسدود شدن دسترسی به فروشگاه‌های گوگل و اپل (مورد ۳ اصل ۳ و بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی)

۶. در بلندمدت، مهاجرت نخبگان و صاحبان سرمایه و حتی متخصصان فناوری (ماده ۳ اساسنامه بنیاد ملی نخبگان)

۷. با توجه به افزایش ۳۰۰۰ درصدی جستجوی ایرانی‌ها برای فیلتر شکن، خطر لو رفتن اطلاعات کاربران و حضور کودکان در فضای ناامن وب
۸. سخت شدن دریافت نسخه الکترونیکی یا یافتن دارو در مطب‌ها و داروخانه‌ها بدلیل قطعی یا کندی اینترنت. (بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی)

خسارات مادی غیرمستقیم را میتوان در چند دسته تحلیل کرد:

۱. روی آوردن کارآفرینان به کسب و کارهای غیرمولد بدلیل دل‌سردی از فضای محدودیت بوجود آمده و عدم اطمینان به آینده اینترنت و فضای مجازی
۲. از بین رفتن پاخور و بازدید کسب و کارها در سایت و شبکه‌های اجتماعی بدلیل اینکه با قطعی اینترنت، طبق الگوریتم‌های گوگل و شبکه‌های اجتماعی به کاربران نمایش داده نمی‌شدند و کاهش فروش و هدررفت فعالیت‌های قبلی برای رشد کسب و کار



۳. از بین رفتن حاشیه‌های سود کسب و کارها؛ زیرا آنها برای جذب مشتریان خود هزینه‌های بالایی کرده‌اند و با اعمال فیلترینگ، ناگزیرند با تحمل هزینه‌های اضافی، رنج مضاعفی را برای بازیابی دوباره به دوش بکشند.

۴. لطمه به اعتبار و شهرت شرکت‌های تجاری و بنگاه‌های اقتصادی با قطع ارتباط با فضای خارج از کشور؛ میزان این خسارت در شرایط مبادله تجاری با خارج از کشور، به دلیل اینکه در این قراردادها برای عدم ایفای تعهد در زمان مشخص، حق فسخ یا انصراف یا جریمه نقدی قرار داده می‌شود، قابل تقویم و اثبات است. این در حالیست که طبق تبصره ماده ۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است با همکاری دستگاه‌های اجرایی و نهادهای بین‌المللی، جایگاه ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی کسب‌وکار را بهبود بخشد و وضعیت اقتصادی مناسب کشور را به سرمایه‌گذاران خارجی معرفی کند.

خسارات مادی مستقیم را می‌توان در چند بخش بررسی کرد:

۱. ضرر مالی کسب‌وکارهای کوچک، آنلاین‌شاپ‌ها و کسب و کارهای مبتنی بر فضای مجازی بدلیل عدم امکان فعالیت در بستر مبادلات الکترونیک و عدم امکان تبلیغات و جذب مشتری (ماده ۱ و ۳ قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی)

۲. ضرر و زیان شدید صنعت تبلیغات آنلاین  
۳. ضرر و زیان هنگفت صنعت گردشگری و توریسم؛ تمام این خسارات در حالی بر پیکره اقتصاد و کسب و کار در ایران (اعم از دیجیتال و غیردیجیتال) وارد شده که طبق اصول صریح قانون اساسی که در ذیل آورده می‌شود، دولت موظف به ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی است و موظف است برای همه افسردگان امکان اشتغال را ایجاد و شرایط و امکانات رسیدن به اشتغال را فراهم و حتی وسایل کار را در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند قرار دهد. طبق بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی یکی از وظایف دولت رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی است. طبق اصل ۲۸ قانون اساسی هر کس حق دارد شغلی را که بداند مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. طبق بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی یکی از ضوابطی که اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس آن استوار می‌شود عبارت است از تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند.

#### جبران خسارات از منظر قانون

طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود. عنصر «ضرورت» و «تأمین منفعت اجتماعی» نقش مهمی را در تعیین تقصیر دولت ایفا می‌کند. در صورتی که مبادرت به انجام امری ضرورت نداشته باشد یا برای برآوردن منفعت اجتماعی به معنای دقیق آن به کار نرود، انجام آن امر تقصیرکارانه بوده و حتی می‌تواند ذیل سوءاستفاده از حق در حقوق اداری مطرح گردد. امروزه رویه قضایی و دکترین حقوقی از ایده عدم مسئولیت دولت فاصله گرفته و به این اذعان دارد که اصل لاضرر و لزوم جبران خسارات، برآوردن عدالت و حفظ نظم عمومی منبای مناسبی را برای جبران زیان شهروندان حتی در امور حاکمیتی فراهم می‌آورد.

#### پیش‌بینی احراز وقوع تخلف در دیوان عدالت اداری

مطابق با رأی وحدت رویه شماره ۱۴۲۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۰۵ هیئت محترم عمومی دیوان عدالت

اداری، «تصدیق ورود خسارت و توجه مسئولیت مدنی ناشی از آن به اشخاص مذکور در بند ۱ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، منوط به آن است که اقدامات دستگاه‌های مزبور به علت مخالفت با قانون، عدم صلاحیت مرجع مربوط، تجاوز و سوءاستفاده از اختیارات، تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف قانونی موجب تضییع حقوق و یا سبب ورود خسارت بلاواسطه و مستقیم شده باشد.» ادعای ورود خسارت مستقیم بلاواسطه را در مورد کسب و کارهای اینترنتی و استارت‌آپ‌ها که بخش عمده‌ای از مشتریان خود را در بستر مبادلات الکترونیک می‌یابند، می‌توان پذیرفت، به ویژه که دولت آمادگی خود را برای جبران خسارات اعلام کرده است.

#### رویکرد مسئولین در قبال جبران خسارت

با توجه به کاهش فروش ۱۰۰ درصدی برخی کسب‌وکارهای مجازی و افت فروش متوسط ۱۰ تا ۲۰ درصدی کسب‌وکارهای متوسط و ۴۰ تا ۷۰ درصدی کسب و کارهای کوچک، رئیس اتحادیه کشوری کسب و کارهای مجازی بسته اقتصادی‌ای را برای حمایت از این کسب‌وکارها از دولت درخواست نمود. بسته درخواستی شامل ۱. تسهیلات ارزان قیمت، بلندمدت و با وثایق قابل ارائه، ۲. معافیت یا تخفیف‌های مالیاتی، ۳. معافیت یا تخفیف‌های مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی شامل حق بیمه کارکنان پرسنل شاغل در این بخش، ۴. ارائه یکپیکرهای تبلیغاتی رایگان یا ارزان قیمت در رسانه‌ها شامل صداوسیما یا فضاهای شهری بوده است. وزیر امور اقتصادی و دارایی برای جبران این خسارات از ابزارهایی چون مشوق‌های مالیاتی خبر داد. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز از مصوبه معافیت مالیاتی تا تسهیلات بانکی و حمایت‌های تبلیغاتی که در قالب ۱۵ ماده برای حمایت از کسب و کارهای فضای مجازی آماده شده خبر داد. مدیرکل دفتر خدمات کسب‌وکار وزارت صمت نیز اشاره کرد که قرار است هزار میلیارد تومان بسته تبلیغات ویژه صداوسیما و هزار میلیارد تومان بسته تبلیغات ویژه شبکه‌های اجتماعی برای حمایت از کسب‌وکارهای متضرر از قطعی اینترنت اختصاص دهیم.

#### انتقاد به رویکرد مسئولین

بنیانگذار یک کسب‌وکار اینستاگرامی تعطیل شده در انتقاد به طرح حمایتی دولت گفت که هر کمکی برای جبران خسارت کسب‌وکارهای مجازی با تداوم فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی، مصداق مُسکَن است. اگر همین امروز هم ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان به هر کسب و کاری کمک شود، این کمک فقط حکم صدقه را دارد، او هم زمانی که چرخ این کسب‌وکارها نمی‌چرخد. او ادامه داد که از سال ۹۶ تا امروز، هیچ‌وقت نظری از فعالان اکوسیستم استارت‌آپی درباره این تصمیم‌ها نپرسیده‌اند. این در حالی‌ست که طبق قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، باید در این زمینه‌ها با بخش خصوصی مشورت به عمل آید. عجیب آنجاست که ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار کسب و کار در اینستاگرام وجود دارد که به راحتی و یک‌شبه درباره آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. در حالیکه برای تعطیلی پاساژی که ۴۰ مغازه در آن فعال است به این سرعت تصمیم‌گیری نمی‌شود.

تا بحرانی پیش می‌آید، از خبری خوش می‌گویند؛ روزی از بسته حمایت معیشتی بنزین، روزی دیگر از بسته جبران قطعی اینترنت. اما آنگونه که کاسبان و تجار می‌گویند این اخبار نه تنها خوش نیستند، بلکه تا به امروز یادآور ضرب‌المثل «نوش دارو بعد از مرگ سهراب» بوده و دردی از آن‌ها دوا نکرده‌اند. هم‌زمان، صاحب نظران اقتصادی از دولت می‌خواهند پیش شرط‌های لازم مانند تدوین سیاست‌های روشن و کارآمد برای ایجاد ثبات در اقتصاد کلان با کنترل عوامل مالی و بودجه‌ای تورمزا و... را برای اجرای صحیح اصلاحات اقتصادی اجرا کند.

#### نتیجه‌گیری

مشکل اصلی خلأ قانونی در زمینه مسئولیت مدنی

دولت است. طبق ماده ۱۱ مسئولیت مدنی در مواقعی همچون آشوب اخیر که فیلترینگ اعمال شد و کسب‌وکارهای بسیاری شدیداً متضرر شدند، دولت هیچ مسئولیتی برای جبران خسارت ندارد و کسب‌وکارهای متضرر از هیچ‌کس نمی‌توانند غرامت بگیرند. درست است که احراز وقوع تخلف در دیوان عدالت اداری پیش‌بینی شده اما عملاً اثبات ادعای شاکلی بسیار سخت به نظر می‌رسد. حال این دولت تصمیم بر جبران ضرر گرفته است که البته بر سر اینکه چه مقدار ضرر واقعی صورت گرفته و چگونه می‌تواند جبران کند و اساساً آیا می‌تواند تمام ضررهای حداقلی مادی را جبران کند یا خیر، بحث است. اما اگر در دولت بعد دوباره چنین اتفاقی بیفتد و دولت نخواهد یا به دلایل مختلف مانند کسری بودجه، ضرر و زیان وارده به کسب‌وکارها را جبران نکند، هیچ قانونی برای مسئولیت مدنی دولت وجود ندارد و به صورتی علنی و صریح حقوق مالی مردم پایمال خواهد شد.

#### پیشنهادات و راهکارها

از آن جهت که ما بدنبال جبران خسارات وارده به کسب و کارهای زیان‌دیده هستیم، نیازمند تبیین سازوکارهایی شفاف و کارآمد جهت امور زیر می‌باشیم:

۱. شناسایی دقیق کسب و کارهای زیان‌دیده
۲. تعیین زیان مستقیم و غیرمستقیم بر کسب و کارهای زیان‌دیده
۳. محل یا صندوقی با اختصاص بودجه برای جبران به موقع ضرر و زیان در مواقع بحرانی

#### عدم توفیق در اجرای قانون اساسی و

#### افول سرمایه اجتماعی



محمدعلی رشیدی  
پژوهشگر اندیشه‌های حقوق بشر و شهروندی

بدون شک می‌توان ادعان داشت که یکی از مهم‌ترین عناصر استمرار حاکمیت و حکمرانی سیاسی، حیات «سرمایه اجتماعی» می‌باشد. سرمایه اجتماعی بدین شکل قابل تعریف است: «سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، قواعد عرفی و تعهدات اخلاقی است که رفتارهای متقابل افراد در چارچوب آن‌ها شکل می‌گیرد و موجب تسهیل روابط اجتماعی افراد می‌شود و معمولاً به افزایش همکاری اجتماعی می‌انجامد.» مفهوم سرمایه اجتماعی در دو بعد خرد و کلان قابل بررسی است که با توجه به تعریف فوق، در بعد کلان و در نسبت با قانون، حاکمیت و حکومت سیاسی، منطبق بر مفهوم «مردم» می‌باشند. در مقام تشریح نقش اساسی مردم در شکل‌گیری و حیات جامعه سیاسی و نیز حقوق متقابل آن‌ها می‌توان به مقدمه و اصول اول، ششم و بند ۸ اصل سوم و فصل سوم قانون اساسی و نیز فصل سوم قانون مدیریت خدمات کشوری اشاره کرد. از دلایل مهم ابتدای بقای سیاسی یک جامعه بر سرمایه اجتماعی (مردم)، نقش برجسته آن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی یک جامعه است. به عنوان مثال در رابطه با حقوق اقتصادی ملت، بند ۱۲ اصل سوم و اصل ۴۳ قانون اساسی علاوه بر تعیین بستر اقتصادی کشور، به تناسب میان اهداف اقتصادی و مصالح عامه اشاره دارند. جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی آن نیز به مثابه یک حکومت و قانون از این قاعده مستثنی نبوده و استمرار و حیات آن‌ها ارتباط تنگاتنگی با حیات سرمایه اجتماعی آن‌ها دارد.

عوامل موثر در تشکیل سرمایه‌های اجتماعی عبارتند از: ۱. عوامل نهادی (نظام جمهوری اسلامی و نهادهای مرتبط با آن)؛ ۲. عوامل خودجوش (ارزش‌ها و هنجارهای عرفی)؛ ۳. عوامل بیرونی (دین اسلام، ایدئولوژی سیاسی و فرهنگ و تاریخ دیرینه)؛ ۴. عوامل طبیعی (نژاد، قومیت و سرزمین جغرافیایی). در تشریح عوامل موثر در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی، خوب است به این نکته نیز اشاره کنیم که سرمایه اجتماعی

انقلاب اسلامی با محوریت و ترتیب سه عامل ذیل شکل گرفته است:

(۱ معنویت؛ ۲) امنیت؛ ۳) عدالت

ارزش‌های معنوی نظام جمهوری اسلامی به عنوان شاخص ممیز آن از سایر الگوهای حاکمیتی در اصول دوم، پنجم، هشتم، یازدهم و دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر موفقیت در برقراری امنیت پایدار داخلی، با پایبندی به اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی به عامل اصلی ثبات در منطقه و مظهر مقابله با تروریسم تبدیل شده است. همچنین نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت اسلامی و شیعی، عدالت اجتماعی را یکی از مهم‌ترین اهداف خود دانسته و ضمن بند ۴ و قسمت ج بند ۶ اصل دوم، بند ۹ و ۱۲ اصل سوم، اصل ۲۹ و نیز بند ۱ و ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی، خود را ملزم به تحقق آن دانسته است.

با وجود دشواری سنجش سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم کیفی، یکی از اساسی‌ترین معیارهای سنجش سرمایه اجتماعی، بررسی پیامدهای اجتماعی و شواهد موجود است. جمهوری اسلامی بر اساس منطق حکومت اسلامی و با بهره‌گیری از فرهنگ و تاریخ ایران، سرمایه اجتماعی خود را تشکیل و پرورش داد؛ اما امروزه به سختی می‌توان میزان پیوستگی این سرمایه اجتماعی با ارزش‌های کلان را مثبت ارزیابی کرد. با توجه به اهمیت اقتصاد در حفظ سرمایه اجتماعی، چالش‌های کنونی نظام اقتصادی، افول تدریجی سرمایه اجتماعی را به همراه داشته است و خواهد داشت. همچنین تناقضات ایجاد شده میان ایده‌ها و عمل جمهوری اسلامی بواسطه عملکرد منفی برخی کارگزاران، بی‌اعتمادی عمومی و تشدید این افول را به همراه داشته است. ناکارآمدی نظام اداری و رواج فسادهای اداری و اقتصادی با وجود قوانین متعدد (قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و...) نیز مزید بر این علت شده است. نتایج و آثار افول سرمایه اجتماعی و نیز عدم اعتماد مردم به حاکمیت، صرفاً به ایجاد خلل اقتصادی و نارضایتی معیشتی محدود نمی‌شود بلکه حاکمیت را با چالش‌های مهم سیاسی، امنیتی و بین‌المللی مواجه می‌کند. کمابینه امروزه می‌توان سرایت اثرات ناشی از عدم تحقق عدالت اجتماعی را به ساحت امنیت و معنویت جامعه مشاهده کرد. تداوم این روند برای نظام جمهوری اسلامی به عنوان داعیه‌دار ایجاد نظم نوین جهانی تهدیدی جدی است که اگر به از دست دادن سرمایه‌ای مهم به نام «مردم» منجر شود، فروپاشی اجتماعی و به تبع آن فروپاشی سیاسی را به همراه خواهد داشت.

#### آموزش حقوق شهروندی

#### دکتر محمدحسن پور

مدیرکل آموزش معارف حقوقی ریاست جمهوری



در هر نظام حقوقی-سیاسی (کشور) تابعیت علقه‌ای است که سبب پیوند جغرافیایی، سیاسی و روحی بین افراد و سرزمین می‌گردد. این ماهیت سیاسی حقوقی (تابعیت) فارغ از همه آثار و تبعات مختلفی که در زندگی افراد دارا می‌باشد زمینه برخورداری افراد از حقوق مختلفی را فراهم می‌نماید که در چارچوب جغرافیایی آن سرزمین بدون توجه به ویژگی‌های زبانی، نژادی و قومی به همه‌ی افراد آن سرزمین تعلق می‌گیرد. در ادبیات حقوقی از این دسته از حقوق به حقوق شهروندی تعبیر می‌شود. بر اساس این تعریف حقوق شهروندی مجموعه حق‌هایی را شامل می‌شود که که تابعین هر کشوری بدون توجه به ویژگی‌های نژادی، زبانی و قومی از آن برخوردار می‌شوند. فارغ از مصادیق مختلف این دسته از حقوق، یکی از مقدمات لازم جهت بهره‌مندی، اعمال و جلوگیری از نقض آن‌ها، آگاهی و اطلاع عموم شهروندان از مصادیق این حقوق و شیوه اعمال و برخورداری از آن‌ها می‌باشد.

بند ۲ اصل سوم قانون اساسی «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها» را از جمله اموری دانسته است که دولت مکلف است حداکثر تسوان و ظرفیت خود را برای تحقق آن بکارگیرد. پیر واضح است که یکی از مهمترین مصادیق و حوزه‌های اعمال و اجرای این حکم از قانون اساسی، حوزه حقوق شهروندی می‌باشد. عدم

آگاهی افراد از مصادیق حقوق خویش در جامعه یکی از مهمترین زمینه‌های نقض قوانین و تضییع حقوق شهروندی افراد محسوب می‌شود. این عبارت بدین معناست که نه تنها عدم آموزش، خود به صورت مستقل نقض حقوق شهروندی افراد محسوب می‌شود (نقض حق بر آموختن و اطلاع) بلکه زمینه تضییع و نقض سایر حقوق

شهروندی را نیز فراهم می‌نماید. آگاهی و آموزش حقوق شهروندی نه تنها زمینه‌ی احقاق بیشتر از پیش این مهم را فراهم می‌نماید بلکه ابزاری بسیار مهم در اعتلای اصل حاکمیت قانون در جامعه و نیز یاری‌گر دولت و نهادهای حاکمیتی در اجرای قانون می‌باشد، زیرا که در فرض آگاهی مردم از مصادیق آن، هرگاه حقوق مذکور نقض گردد مردم

ضمن درخواست حقوق خود از متصدیان امر، گزارش مربوطه را به نهادهای ذیربط ارائه نموده که این مهم خود کمکی شایان به نهادهای نظارتی و دولت در تحقق اصل حاکمیت قانون، ایجاد نظام اداری صحیح، مبارزه با فساد و در نهایت سیر به سمت جامعه‌ای عاری از ناهنجاری و احقاق کننده‌ی حقوق افراد می‌باشد.



انديشگه حقوق بشر و شهروندی  
 دانشگاه امام صادق (علیه السلام)